

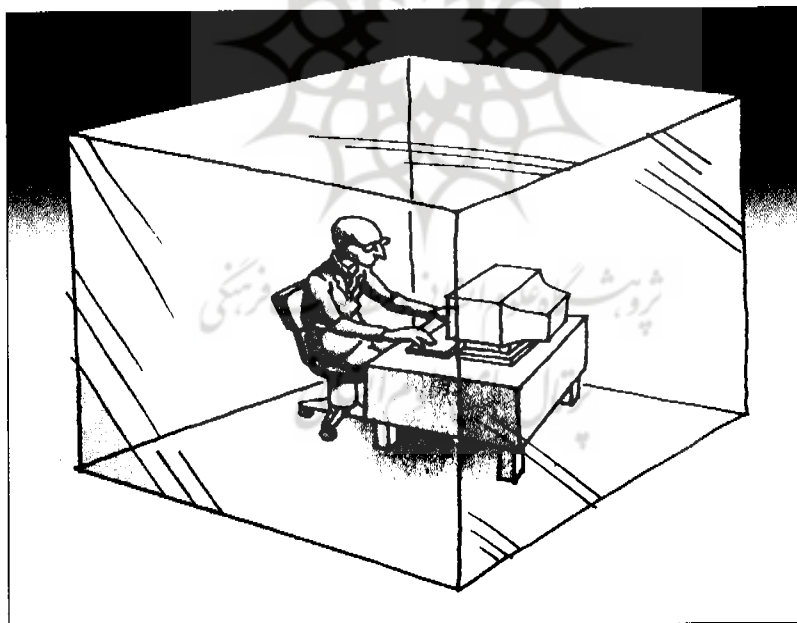
جایگاه نظام کنترل داخلی در راهبری نظام بانکی*

ادامدهی حیات اثربخش هر سازمان مستلزم شناسایی، ارزیابی و مدیریت ریسک‌ها، شناسایی نارسایی‌های نظام کنترل داخلی، ارزیابی کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها، و اطمینان‌یابی از رعایت الزامات و مقررات است.

دکتر حسین کثیری

نسبت به آن را با مشکلاتی مواجه ساخته است.

بدون تردید ادامه‌ی حیات موثر هر سازمان از جمله بانک‌ها، مستلزم بهبود مستمر از طریق شناسایی و ارزیابی ریسک‌ها و مدیریت آن، شناسایی نارسایی‌های نظام کنترل داخلی، ارزیابی کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها، گزارش‌دهی قابل اعتماد، اطمینان از



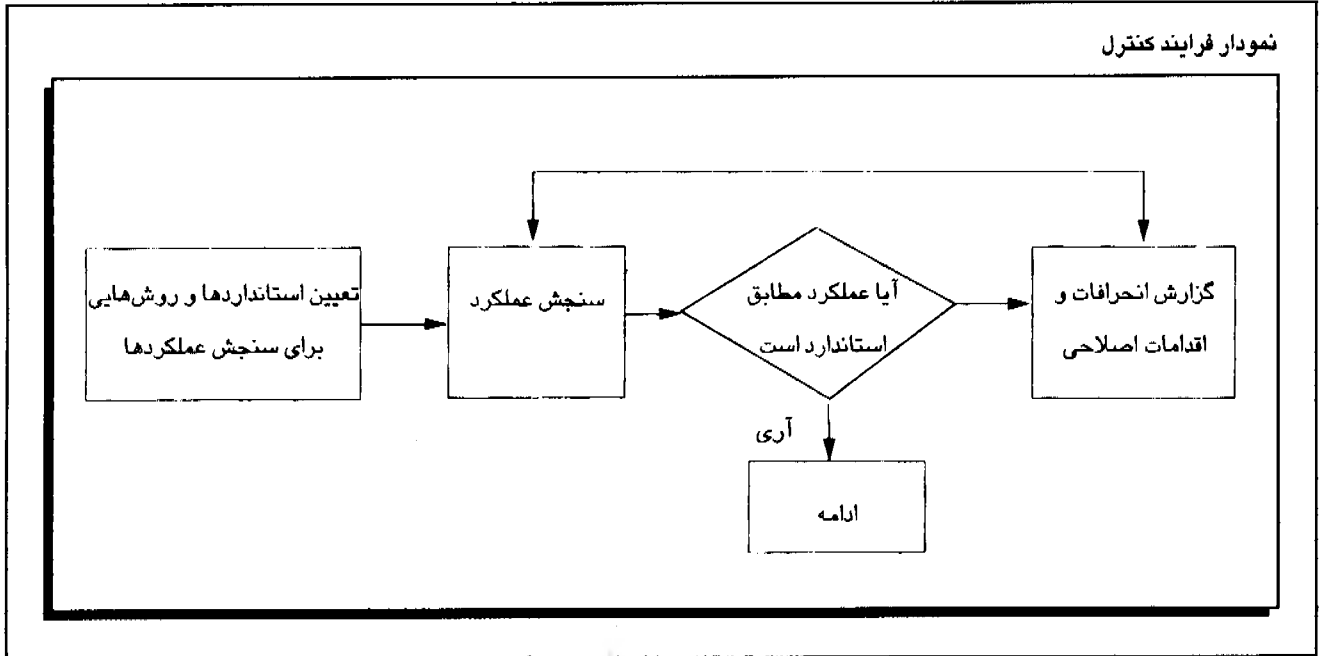
امروزه استفاده موثر و کارآمد منابع برای دستیابی به اهداف سازمان و ارائه‌ی اطلاعات مالی مربوط و قابل اتکاء که در تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی مفید واقع شود، از راهبردهای اساسی مدیریت است. روند گسترش و پیچیدگی روزافزون و شتاب‌آمیز سازمان‌ها در جهان پیشرفته‌ی

رعایت الزامات و مقررات و استفاده از فرصت‌ها جهت بهبود می‌باشد.

از سویی مدیریت بانک‌ها برای حصول اطمینان از دستیابی به اهداف سازمانی، حفظ توان مالی و سودآوری، مقابله با رویدادهای غیرمنتظره و ریسک‌های موجود، اطمینان‌دهی و پاسخ‌گویی در برابر

تغییرات و ریسک‌های اجتناب‌ناپذیر فوق، ابهامات، نگرانی‌ها و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران، دولت و سایر تصمیم‌گیرندگان را افزایش داده است. ابهامات فوق هم‌چنین ریسک و هزینه‌ی تامین سرمایه را افزایش داده، رشد و توسعه‌ی نظام بانکی و اعتماد عمومی

امروزی، پیدایش عرصه‌های جدید کسب و کار و عملیات، تشدید رقابت، نوآوری‌ها و تغییرات سریع و پایان‌ناپذیر فن‌آوری، توسعه‌ی تجارت الکترونیک و بروز انواع سوءجریانات و تقلبات، بانک‌ها را با انواع ریسک‌های دستیابی به اهداف سازمانی در زمینه‌های مختلف روبه‌رو ساخته است.



برای طراحی و استقرار فرایند کنترل باید سه رکن اساسی یعنی ۱) تعیین استانداردها و معیار عملکردها، ۲) روش‌هایی برای سنجش و اندازه‌گیری عملکردها، ۳) سیستم بازخورد برای انعکاس و گزارش انحرافات مشاهده شده و انجام دادن اقدامات اصلاحی به موقع همواره مدنظر قرار گیرد؛ به عبارتی فرایند سیستم کنترل داخلی، فرایندی پویاست.

مفهوم کنترل داخلی

کمیته‌ی تردوی (COSO) در تعریف کنترل داخلی چنین بیان می‌کند: "کنترل داخلی فرایندی است که به منظور کسب اطمینان معقول از تحقق اهدافی که در سه گروه زیر دسته‌بندی شوند، توسط هیات مدیره، مدیریت و سایر کارکنان یک واحد اقتصادی برقرار می‌شود: - اثربخشی و کارایی عملیات (اهداف عملیاتی)؛ - قابلیت اعتماد گزارش‌دهی مالی (اهداف گزارش‌دهی)؛ - رعایت قوانین و مقررات (اهداف رعایتی)".

۵

کمیته‌ی تردوی با توجه به نیازهای قانونی در گزارش متمعن خود، حفاظت از

سازمان‌های بانکی^۵ را منتشر کرد. کلیه‌ی اعضای کمیته بازل موافقت کردند که اصول مسندرج در این گزارش باید در ارزیابی سیستم کنترل داخلی بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

در این مقاله ضمن بررسی چارچوب یکپارچه‌ی سیستم کنترل داخلی پیشنهادی COSO، اصول پیشنهادی در گزارش کمیته‌ی بازل جهت ارزیابی سیستم کنترل داخلی بانک‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

ساختار کنترل‌های داخلی

مفهوم و فرایند کنترل

واژه‌ی کنترل با معانی بسیار متفاوتی مورد استفاده قرار گرفته است. از این واژه مفاهیمی چون بازرسی، مقایسه و یا رسیدگی استنباط می‌شود. جاستین لانگینکر کنترل را این‌گونه تعریف می‌کند: "کنترل به نظم بخشی یا سازمان‌دهی سازمان برای اطمینان یافتن از دستیابی به اهداف سازمانی و انجام کامل برنامه‌ها گفته می‌شود" به تعبیر وی کنترل مانند هدایت، راندن و ترمز کردن یک اتومبیل است.

سرمایه‌گذاران و دولت و افزودن ارزش سازمان نیازمند مکانیزم راهبری سازمانی^۱ مناسب می‌باشند.

راهبری سازمان بانک مکانیزمی برای هدایت، نظارت و کنترل آن در راستای تحقق اهداف است. راهبری سازمان بانک با استفاده از سیستم کنترل داخلی اثربخش^۲ می‌تواند بראقدامات، رویه‌ها و تصمیمات نظارت نموده و ابزار پاسخگویی مناسب مدیران و کارکنان را فراهم سازد. سیستم کنترل داخلی فرایندی است که به منظور کسب اطمینان معقول نسبت به تحقق اهداف سازمانی از جمله اثربخشی و کارایی عملیات، قابلیت اعتماد گزارش‌دهی و رعایت قوانین و مقررات برقرار می‌شود.

با توجه به برداشت‌های مختلف از اصطلاح کنترل داخلی کمیته‌ی سازمان‌های مسئول کمیسیون تردوی^۳ در یک کار تحقیقی بسیار ژرف و گسترده گزارشی تحت عنوان کنترل داخلی - چارچوب یک پارچه در ۱۹۹۲ ارائه داد که در ۱۹۹۴ طی متممی آن را کامل کرد. با توجه به این تحقیق، کمیته نظارت بر امور بانکی بازل^۴ در ۱۹۹۸ گزارش چارچوب سیستم کنترل داخلی در

دارایی‌ها را به عنوان یکی دیگر از اهداف کنترل داخلی مطرح کرد، اگر چه این هدف را می‌توان در زمره‌ی هدف کارآیی و اثربخشی عملیات نیز تلقی نمود.

کمیته‌ی نظارت بر امور بانکی بازل کنترل داخلی را این‌گونه تعریف می‌کند. "کنترل داخلی فرایندی است که توسط هیات مدیره، مدیریت ارشد و کلیه‌ی کارکنان برقرار می‌شود. این فرایند تنهاخط مشی یا روشی نیست که در یک مقطع زمانی خاص برقرار می‌شود. بلکه فرایندی است که به‌طور مستمر در کلیه‌ی سطوح بانک عمل می‌گردد." کمیته‌ی بازل معتقد است که فرایند کنترل به‌طور تاریخی مکانیزمی برای کاهش تقلب، سوءاستفاده و اشتباهات شناخته می‌شود. لکن اخیراً حوزه‌ی آن وسیع‌تر گشته و کلیه‌ی ریسک‌های بانکی را مورد توجه قرار می‌دهد. این کمیته فرایند کنترل داخلی را شامل پنج جزء به هم وابسته: ۱) فرهنگ کنترلی و مراقبت مدیریت، ۲) شناسایی و ارزیابی ریسک، ۳) فعالیت‌های کنترلی و تفکیک وظایف، ۴) اطلاعات و ارتباطات، ۵) فعالیت‌های نظارتی و اصلاح نارسایی‌ها می‌داند. این اجزا با اندک اغماضی با اجزای کنترل داخلی پیشنهادی کمیسیون تردوی یکسان است. به نظر کمیته‌ی بازل عملکرد موثر عوامل پنجگانه فوق در دست‌یابی به اهداف عملیاتی، اطلاعاتی (گزارش‌دهی) و رعایتی بانک بسیار ضروری است. تعاریف کنترل داخلی به شرح فوق مفاهیم بنیادین معینی را بازتاب می‌دهد.

- کنترل داخلی یک "فرایند" است. کنترل داخلی خود هدف و غایت نیست بلکه ابزاری برای دست‌یابی به اهداف است. - کنترل داخلی به دست "مدیران و کارکنان" واحد اقتصادی طراحی و اجرا می‌شود. لذا فقط آینده‌ای بی‌روح از فرم‌ها و دستورالعمل‌ها نیست. بلکه مشارکت

تمامی کارکنان واحد اقتصادی را می‌طلبد. - از کنترل داخلی انتظار می‌رود که برای مدیریت و هیات مدیره واحد اقتصادی "اطمینانی معقول" فراهم کند، نه اطمینان مطلق. - هدف کنترل داخلی دست یافتن به "اهداف" است. اهدافی که در یک یا چند گروه متمایز و در عین حال مشترک‌الوجوه قرار گیرند.

اهداف سیستم داخلی

واحدهای اقتصادی در منشورهای خود اهداف سازمانی را تعیین و راهبردهایی جهت نیل به اهداف مشخص می‌کنند. اهداف ممکن است برای واحد اقتصادی و یا فعالیت‌های آن تعریف شود. تعدادی از اهداف مختص یک واحد اقتصادی هستند اما بعضی از اهداف مانند سودآوری و کسب رضایت مشتریان در تمام واحدهای اقتصادی مشترک هستند. به‌طور کلی اهداف واحد اقتصادی را از دیدگاه کنترل‌های داخلی در سه گروه زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد: ● اهداف عملیاتی، ● اهداف گزارش‌دهی، ● اهداف رعایتی.

الف) اهداف عملیاتی: اهداف عملیاتی به استفاده اثربخش و کارآمد از منابع اقتصادی مربوط می‌شود. این اهداف به نوع فعالیت سازمان ارتباط داشته و شامل اهداف مرتبط با عملکرد و سودآوری و هم چنین محافظت از دارایی‌ها اشاره دارد. برای مثال، سودآوری یک هدف عملیاتی مهم در فعالیت‌های انتفاعی محسوب می‌شود. در سازمان‌های غیرانتفاعی اهداف دیگری از جمله ارائه‌ی خدمات با کیفیت مطلوب تعریف می‌شود. یکی از اهداف طراحی و استقرار سیستم کنترل داخلی اثربخش، آگاهی مراجع ذی‌ربط از میزان دست‌یابی به اهداف عملیاتی است، مشروط به آن که در طراحی کنترل داخلی، ویژه‌گی‌های اهداف عملیاتی مورد توجه قرار گیرد و تدابیری اتخاذ شود که اطمینانی منطقی و معقول از

میزان دست‌یابی به آن اهداف حاصل آید. ب) اهداف گزارش‌دهی مالی: این اهداف به تهیه صورت‌های مالی قابل اعتماد، شامل صورت‌های مالی میان دوره‌ای و فشرده و گزیده‌های مالی استخراج شده از این صورت‌ها (مانند سود خالص) مربوط است که برای اطلاع عموم منتشر می‌شود. گزارش‌دهی مالی ابزاری برای تصمیم‌گیری‌های بهینه اقتصادی و نیز ابزاری برای ایفای مسئولیت پاسخگویی شناخته می‌شود. برای این منظور، سیستم کنترل داخلی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که اطمینانی معقول از وجود دارایی‌ها و بدهی‌ها و صحت و کفایت رویدادها و اقلام و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی حاصل شود. در صورت طراحی و اجرای یک سیستم کنترل داخلی مناسب، اطلاعاتی که از طریق گزارش‌دهی مالی به اشخاص ذی‌نفع ارائه می‌شود، مربوط و قابل اتکاء خواهد بود.

پ) اهداف رعایتی: این هدف به رعایت قوانین و مقررات حاکم بر واحد مربوط است. تاسیس و اداره‌ی امور واحد بر مبنای قوانین و مقررات شکل می‌گیرد. مقررات به شکل دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها برای بهبود امور و دست‌یابی به اهداف سازمان تدوین می‌گردند. سیستم کنترل داخلی باید به نحوی طراحی و اجرا شود که از رعایت کامل قوانین و مقررات حاکم بر واحد اقتصادی به‌ویژه در زمینه‌های مالی و عملیاتی اطمینان حاصل گردد.

سیستم‌های کنترل داخلی به لحاظ اثربخشی در مراتب مختلفی قرار می‌گیرند. کنترل داخلی در صورتی اثربخش تلقی می‌شود که مدیریت از سه مورد زیر اطمینان معقول به دست آورد: ۱- آگاهی از میزان دست‌یابی به اهداف عملیاتی واحد اقتصادی (اهداف گروه اول)؛ ۲- تهیه‌ی صورت‌های مالی قابل اعتماد (اهداف گروه دوم)؛ ۳- رعایت قوانین و مقررات مربوط

اهداف گروه سوم) در یک مقطع یا مقاطعی از زمان.

اصول کنترل داخلی

براساس گزارش کمیته تردوی کنترل داخلی از پنج جزء مرتبط به هم: ۱- محیط کنترلی؛ ۲- ارزیابی ریسک؛ ۳- فعالیت‌های کنترلی؛ ۴- اطلاعات و ارتباطات؛ و ۵- نظارت تشکیل می‌شود. این اجزا در روش مدیریت برای اداره‌ی فعالیت‌ها نهفته و با فرایند مدیریت پیوند ناگسستنی دارند و به شرح زیر می‌باشند:

محیط کنترلی: با تاثیر بروجدان، هوشیاری و آگاهی کنترلی کارکنان، سبک و جو عمومی سازمان را شکل داده و آن را تنظیم می‌کند. محیط کنترلی با استقرار نظم، و انضباط و بستر مناسب، بنیانی برای دیگر اجزای کنترل داخلی فراهم می‌کند. عوامل موثر بر محیط کنترلی عبارتند از: ۱) پای‌بندی به درستکاری، اصول و ارزش‌های اخلاقی، ۲) التزام به شایستگی و صلاحیت کارکنان، ۳) فلسفه و سبک عملیاتی مدیریت، ۴) روش مدیریت برای تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها، ۵) ساختار سازمانی، شیوه سازمان‌دهی و ارتقاء کارکنان، ۶) رهنمودهای ارائه شده توسط هیئت مدیره، ۷) ارتباط و جهت‌گیری هیئت مدیره و کمیته‌ی حسابرسی.

ارزیابی ریسک: واحدهای اقتصادی با انواع ریسک‌های ناشی از منابع درون سازمانی و برون سازمانی از جمله ریسک‌های مالی، عملیاتی و راهبردی مواجه هستند که باید آنها را ارزیابی کنند. ضمن آن که این ریسک‌ها با توجه به شرایط اقتصادی و عملیاتی دائماً در حال تغییر است. از پیش شرط‌های لازم برای ارزیابی ریسک‌ها، تعیین اهدافی است که در سطوح مختلف با هم پیوند خورده یا از سازگاری درونی برخوردارند. این اهداف شامل اهداف عملیاتی، گزارش‌دهی مالی و رعایتی

به شرح پیش‌گفته می‌باشند. سازگاری اهداف با یکدیگر، شناسایی عوامل اساسی برای کسب موفقیت و گزارش به موقع انتظارات و عملکرد، از اهداف کنترل داخلی است.

ارزیابی ریسک به معنای شناسایی، تجزیه و تحلیل و مدیریت ریسک‌های مرتبط با دستیابی اهداف واحد و فراهم کردن مبنای منطقی برای چگونگی اداره و مهار این ریسک‌ها است. شناسایی ریسک، معمولاً در سطح واحد اقتصادی و در سطح فعالیت صورت می‌گیرد. ریسک‌های کلی در سطح واحد اقتصادی برخاسته از عوامل برون سازمانی یا درون سازمانی است.

عوامل برون سازمانی مانند توسعه‌ی تکنولوژی، تغییر نیازها و انتظارات مشتریان، رقابت، قوانین و مقررات جدید، تغییرات اقتصادی، سوانح و بلایای طبیعی است. عوامل درون سازمانی ریسک از اختلال‌یابی نظمی سیستم‌های اطلاعاتی، کیفیت استخدام کارکنان و روش‌های آموزشی، تغییر در مسئولیت‌های مدیریتی، ماهیت فعالیت‌های واحد اقتصادی و دسترسی کارکنان به دارایی‌ها و ضعف هیئت مدیره و کمیته حسابرسی ناشی می‌شود که زمینه را برای اعمال نادرست فراهم می‌کند. به علاوه رویدادهای مهمی از قبیل، تغییرات در محیط عملیاتی، استخدام پرسنل جدید، تجدید سازمان و بهسازی سیستم‌های اطلاعاتی، رشد سریع، فن‌آوری جدید، خطوط تولید و محصولات جدید، عملیات و فعالیت‌های برون مرزی، تغییر در بیانیه‌ها و اصول حسابداری از جمله دیگر این ریسک‌ها است. شناسایی ریسک در سطح فعالیت‌های متمرکز بر فعالیت‌های مهم نظیر فروش، تولید، بازاریابی، توسعه تکنولوژی و تحقیق و توسعه است.

فرایند تجزیه و تحلیل ریسک معمولاً شامل: ۱) برآورد میزان اهمیت ریسک، ۲) ارزیابی احتمال وقوع ریسک و، ۳) ارزیابی

شیوه‌ی اداره ریسک (ارزیابی اقداماتی که باید انجام شود) است. ارزیابی ریسک به انواع مخاطرات راهبردی، مالی و اطلاعاتی به‌ویژه مخاطرات مرتبط با سیستم‌های مکانیزه و نیز تجزیه و تحلیل هزینه و منفعت استقرار یک سیستم کنترل داخلی می‌پردازد.

مدیریت پس از ارزیابی درجه اهمیت ریسک و احتمال وقوع آن باید به نحوه اداره و مهار آن بپردازد. برای این‌کار مدیریت برنامه‌های خاص برای مقابله با انواع ریسک‌ها را طراحی می‌کند و برای حصول اطمینان از طراحی و اجرای برنامه‌های مزبور رویه‌های خاصی را وضع می‌نماید. این رویه‌ها در واقع همان "فعالیت‌های کنترلی" به شرح زیر می‌باشند.

فعالیت‌های کنترلی: فعالیت‌های کنترلی، خط مشی‌ها و رویه‌هایی هستند که مدیریت به کمک آنها از اجرای دستورات و یا رهنمودهای اطمینان حاصل می‌کند. به‌علاوه با استفاده از فعالیت‌های کنترلی از انجام اقدامات لازم برای رویارویی با ریسک‌های مرتبط با اهداف واحد اقتصادی اطمینان حاصل می‌شود. فعالیت‌های کنترلی در سراسر سازمان و کلیه کارکردها وجود دارد و دامنه‌ی بسیار متنوعی نظیر تصویب، صدور مجوز، رسیدگی، تطبیق یا مقایسه، بررسی نتایج عملکرد، حفاظت دارایی‌ها و تفکیک وظایف را در برمی‌گیرد. از جمله فعالیت‌های کنترلی مرتبط با فعالیت‌های مالی شامل:

بررسی و کنترل شاخص‌های عملکرد: مقایسه عملکرد با بودجه پیش‌بینی شده و عملکرد دوره‌ی قبل، بررسی در خصوص ارتباط بین داده‌های مالی و عملیاتی، بررسی مغایرات نامساعد و اقدامات اصلاحی،

کنترل و بازدیدهای فیزیکی: حفاظت فیزیکی و عینی انواع دارایی‌ها، امکانات و لوازم تأمین، مجوز دسترسی به دارایی‌ها، برنامه‌ها و پرونده‌های رایانه‌ای، شمارش فیزیکی و مشاهده‌ی عینی دارایی‌ها (مثل

موجودی‌ها) و انطباق آن با سوابق حسابداری، کنترل‌های تفکیک وظایف: تفکیک وظایف مربوط به صدور مجوز معاملات، ثبت رویدادهای مالی و نگهداری و حفاظت از دارایی‌ها،

بررسی مستقل مدیریت: بررسی گزارش‌های عملکرد هر واحد توسط مدیر یا سرپرست مسئول عملیات به منظور شناسایی روندها و مقایسه‌ی آن با اهداف تعیین شده، رعایت قوانین و مقررات و نیز بررسی رعایت سقف‌های تعیین شده،

بررسی مدیریت عالی: بررسی مدیریت عالی برای مقایسه عملکرد با پیش‌بینی‌ها، بررسی نوآوری‌های جدید مانند افزایش سهم بازار، بهبود فرایندهای تولید، برنامه‌ی مهار هزینه‌ها، میزان دست‌یابی به اهداف، نظارت بر اجرای تولید جدید، سرمایه‌گذاری مشترک یا تامین مالی،

فعالیت‌های کنترلی حاکم بر سیستم‌های اطلاعاتی: شامل کنترل‌های عمومی و کنترل‌های کاربردی. کنترل‌های عمومی شامل کنترل‌های حاکم بر عملیات مرکز داده‌ها، تحصیل و نگهداشت نرم‌افزارها، کنترل‌های دسترسی و ایجاد نرم‌افزارهای جدید است. کنترل‌های کاربردی به منظور کنترل پردازش نرم‌افزارهای اجرایی طراحی شده و به کمک آن از کامل بودن، صحت پردازش، تصویب و اعتبار معاملات اطمینان حاصل می‌شود.

اطلاعات و ارتباطات: اطلاعات ابزاری برای اداره‌ی واحد اقتصادی و تحقق اهداف آن است. اطلاعات مربوط باید شناسایی، گردآوری و نهایتاً در یک شکل و چارچوب زمانی به گونه‌ای گزارش شود که کارکنان را در ایفای مسئولیت‌شان یاری دهد. ساختار اطلاعات و ارتباط را سیستم‌های اطلاعاتی شکل دهد. سیستم‌های اطلاعاتی باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که از جریان صحیح و منظم اطلاعات مربوط اطمینان حاصل شود. سیستم‌های اطلاعاتی

گزارش‌هایی حاوی اطلاعات عملیاتی، مالی و رعایتی تهیه می‌کنند که از طریق آن، امکان اداره و کنترل واحد اقتصادی فراهم می‌گردد. این سیستم‌ها نه تنها با داده‌های تولید شده درون سازمانی بلکه با اطلاعات مربوط به رویدادهای فعالیت‌ها و شرایط برون سازمانی که لازمه تصمیم‌گیری آگاهانه و گزارش‌دهی برون سازمانی است، سروکار دارند. ارتباطات اثربخش باید در مقیاس وسیع، از بالا به پایین و از پایین به بالا و در عرض سازمان برقرار باشد. برای گزارش اطلاعات به رده‌های بالاتر، باید ابزار یا کانال ارتباطی مناسب تعریف شود. ضمناً ارتباطات اثربخش باید با اشخاص برون سازمانی، مانند مشتریان، عرضه‌کنندگان، تدوین‌کنندگان مقررات و سهامداران برقرار شود. ارتباطات می‌توانند به شکل دستورالعمل‌ها، خط مشی‌ها، مانند دستورالعمل حسابداری و گزارش‌دهی و یادداشت‌ها تدوین شود.

کیفیت و اثربخشی سیستم اطلاعاتی در گرو مناسب بودن محتوا، به موقع بودن، به روز بودن، صحت و دقت و در دسترس بودن اطلاعات است. برای مثال یک سیستم اطلاعاتی حسابداری موثر و کارا با استقرار شیوه‌های مناسب منجر به شناسایی و ثبت صحیح معاملات و رویدادهای مجاز، طبقه‌بندی و انعکاس آن در گزارش‌های مالی و افشای کافی مربوط به آنها می‌گردد.

ارتباطات به موضوع کسب شناخت از نقش‌ها و مسئولیت‌های فردی مرتبط با کنترل داخلی مربوط می‌شود. در یک سیستم ارتباطی مناسب کارکنان متوجه می‌شوند که کار آنها در سیستم اطلاعاتی چگونه با کار دیگران مربوط می‌شود و گزارش موارد اشتباه به سطوح بالاتر در سازمان چگونه انجام می‌شود. سیستم‌های اطلاعاتی سازمان باید یک‌پارچه و با استفاده از راهبرد مناسب، سیستم‌های مالی

را با عملیات سازمان پیوند دهند. سیستم‌های اطلاعاتی یک‌پارچه هم‌زمان با اجرای عملیات، به کنترل فرایندها، پی‌گیری و ثبت معاملات کمک می‌کنند و بخش عمده‌ی عملیات سازمان را در برمی‌گیرند.

نظارت: برای دست‌یابی به اطمینان معقول از قابل دست‌یابی بودن اهداف سازمانی، نظارت بر سیستم‌های کنترل داخلی امری ضروری است. نظارت فرایندی است که کیفیت عملکرد سیستم را به طور مداوم ارزیابی می‌کند. کنترل‌های داخلی باید مورد بازبینی قرار گیرند تا اطمینان حاصل شود وفق برنامه عمل می‌نماید و متناسب با تغییر شرایط تعدیل و اصلاح می‌گردند.

نظارت از طریق فعالیت‌های نظارتی مستمر، ارزیابی‌های موردی یا ترکیبی از این دو انجام می‌شود. نظارت مستمر در روال عادی عملیات اعمال می‌گردد و شامل فعالیت‌های مدیریتی و سرپرستی معمول و دیگر اقداماتی است که کارکنان برای ایفای وظایف خود اتخاذ می‌کنند. دامنه و دفعات ارزیابی‌های موردی، اساساً به ارزیابی ریسک‌ها و اثربخشی رویه‌های نظارتی مستمر بستگی دارد. نارسایی‌های کنترل داخلی حاصل از این بررسی‌ها باید براساس سلسله مراتب سازمانی به رده‌های بالاتر گزارش گردد. نظارت اطمینان می‌دهد که سیستم کنترل داخلی به صورت اثربخش عمل می‌کند. یکی از ابزارهای نظارت منظم، وجود حسابرسان داخلی مستقل و اثربخش است. حسابرسان داخلی به نحو چشمگیری به ارزیابی طراحی کنترل‌های داخلی و آزمون اثربخشی آنها توجه کرده و نقاط ضعف بالقوه را شناسایی کرده و توصیه‌های لازم را جهت تقویت کنترل‌های داخلی، همراه اطلاعات سودمند در تجزیه و تحلیل مخارج و منافع به مدیریت ارائه می‌دهند. باید توجه داشت که مکانیزم اغلب ارزیابی‌ها باید به صورت "خود - ارزیابی" باشد. یعنی مسئولین واحد یا فعالیت‌های

اطلاعیه مهم



جامعه حسابداران رسمی ایران درباره آموزش حرفه‌ای مستمر «احم»

همکاران و اعضای محترم

چنانچه مستحضرد آموزش حرفه‌ای مستمر «احم» از الزامات تشکلی های حرفه‌ای است. براساس ضوابط فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) آموزش حرفه‌ای مستمر جزء الزامات اجباری تشکلی های عضو تلقی، و افزون براین پیش‌بینی ضوابط انضباطی به منظور اطمینان یافتن از رعایت مفاد آن نیز الزامی شده است. اساس آموزش حرفه‌ای مستمر حفظ صلاحیت حرفه‌ای حسابداران رسمی در بلندمدت است. هدف‌های آموزش حرفه‌ای مستمر به قرار زیر است:

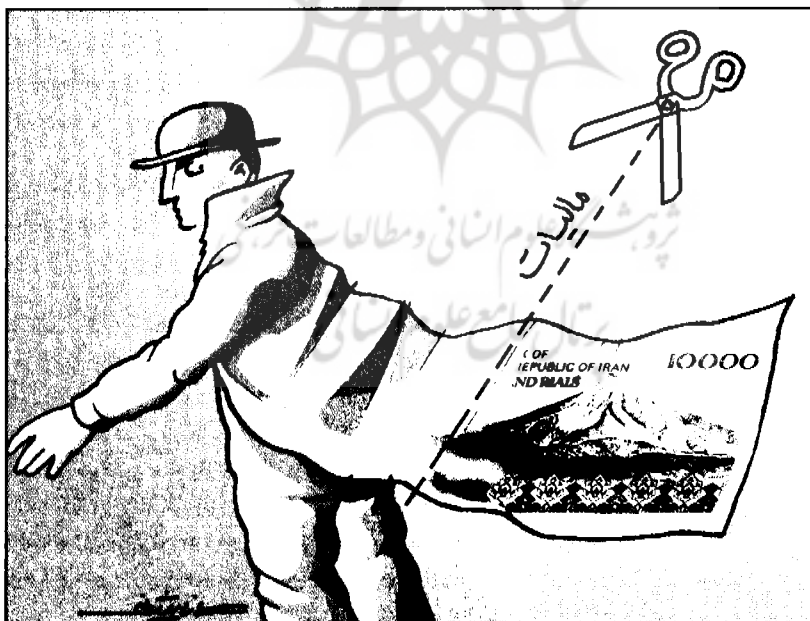
- دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای اعضا را در سطحی قابل قبول حفظ کند و بهبود بخشد.
- اعضای حرفه را در به‌کارگیری تکنیک‌های جدید، شناخت پیشرفت‌های اقتصادی و ارزیابی آثار آن بر صاحبکاران، کارفرمایان و کار اعضا و نیز برآورده کردن انتظارات گوناگون جامعه از حسابداران یاری کند.
- نظام اقتصادی کشور، در کل اطمینان یابد، اعضای حرفه، از دانش فنی و مهارت‌های حرفه‌ای مورد نیاز برای ارائه خدمات خود برخوردارند. پیشنهاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران آن است که هر عضو باید حداقل ۳۰ ساعت آموزش در سال یا ۹۰ ساعت آموزش در هر دوره سه‌ساله را بگذراند. پیشنهاد اولیه در جامعه ۲۰۰ امتیاز برای اولین دوره دوساله (آزمایشی) است که این امتیاز برحسب مورد به ساعت تبدیل و اعلام خواهد شد. ۲۰۰ امتیاز مزبور حدود ۱۰۰ ساعت آموزش حرفه‌ای مستمر پیش‌بینی می‌شود.
- دومین موضوع تعیین شده در مجله حسابدار، مطالعه مقاله مالیات مبتنی بر ارزش افزوده (صفحه ۱۰) است که توسط آقای غلامرضا سلامی تهیه شده و دارای ۲۰ امتیاز آموزش حرفه‌ای، در صورت پاسخ درست و کامل دادن به سوالات زیر است. ضمن سپاسگزاری از دست‌اندرکاران مجله حسابدار و آقای غلامرضا سلامی، مجموعه پاسخ‌های سوالات تشریحی در صورت امکان به نحو مناسب منتشر خواهد شد.

- ۱) کدامیک از فعالیت‌های زیر، فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود؟
الف) ارائه خدمات افتخاری در موسسات غیرانتفاعی.
ب) به‌کارگیری سرمایه در خرید و فروش کالاهای غیر سرمایه‌ای.
ج) به‌کارگیری سرمایه در خرید و فروش کالاهای غیر سرمایه‌ای.
د) ارائه خدمات خانه‌داری.
- ۲) هدف از اخذ مالیات مصرف کدامیک از موارد زیر است؟
الف) اجرای سیاست‌های توزیعی
ب) اجرای سیاست‌های تخصیصی
ج) تامین مخارج دولت
د) الف و ب
- ۳) متداول‌ترین روش محاسبه و وصول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده کدام است؟
الف) روش افزایشی غیرمستقیم
ب) روش صورت حساب
ج) روش کاهش غیرمستقیم
د) ب و ج
- ۴) کدام یک از موارد زیر در تعیین نرخ مالیات مصرف مورد توجه قرار نمی‌گیرد؟
الف) میزان فشار ناشی از کاهش قیمت کالا و خدمات به افراد کم‌درآمد
ب) هزینه وصول مالیات
ج) کالاهای خدمات مشمول نرخ صفر
د) زمینه‌های فرار مالیاتی در جامعه
- ۵) مالیات به نرخ صفر عبارت است از:
الف) خروج فعالیت از شمول مالیات مصرف و باز دریافت مالیات کالا و خدمات دریافتی پرداختی
ب) خروج فعالیت از شمول مالیات مصرف و عدم بازدریافت مالیات کالا و خدمات دریافتی پرداختی
ج) خروج معافیت از شمول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده و عدم بازدریافت مالیات کالا و خدمات دریافتی پرداختی
د) خروج معافیت از شمول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده و بازدریافت مالیات کالا و خدمات دریافتی پرداختی
- ۶) کدام یک از موارد زیر در مورد کالاهای سرمایه‌ای، مشمول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده قرار می‌گیرد؟
الف) تولید ماشین‌آلات
ب) هزینه اجاره ماشین‌آلات
ج) هزینه استهلاک ماشین‌آلات
د) ب و ج
- ۷) دلایل عدم اخذ مالیات فروش به جای مالیات مبتنی بر ارزش افزوده کدام است؟
الف) پیش دریافت مالیات به عنوان عامل کنترل
ب) پیش دریافت مالیات به عنوان عامل برنامه‌ریزی
ج) جلوگیری از تحمیل مالیات مصرف به تولیدکننده
د) الف و ج
- ۸) فواید مالیات مبتنی بر ارزش افزوده کدام است؟
الف) تضمین وصول قسمت اعظم مالیات بر مصرف
ب) ایجاد سیستم جامع اطلاعاتی از معاملات حلقه‌های مختلف زنجیره تولید کشور
ج) کاهش امکان فرار مالیاتی در تهیه مالیات درآمد به حداقل
د) همه موارد کالا
- ۹) به نظر شما مشکلات اجرایی در استقرار نظام مالیات مبتنی بر ارزش افزوده در ایران کدام است؟

مالیات مبتنی بر ارزش افزوده*

جامعه حسابداران رسمی ایران
آموزش حرفه‌ای مستمر (ا.ح.م)
مطالعه این مقاله و پاسخ درست به سوال‌های طرح شده
در صفحه ۹ این مجله ۲۰ امتیاز دارد

غلامرضا سلامی



بخش اول - شناخت

ارزش افزوده

حاصل به‌کارگیری
کار و سرمایه در
فعالیت‌های اقتصادی را
ارزش افزوده می‌نامند.
بنابراین تعریف،
فعالیت‌های اقتصادی
فعالیت‌هایی است که
به تولید محصول یا
خدمت قابل فروش
می‌انجامد.

بنابراین طبق این
تعریف: الف - ارائه‌ی

خدمات افتخاری در موسسات غیرانتفاعی،
احزاب، مجامع حرفه‌ای و نظایر اینها،
ارزش افزوده ایجاد نمی‌کند؛ ب - به‌کارگیری
سرمایه در خرید و فروش املاک و اتومبیل
دست دوم و هر نوع کالای مستعمل به دلیل
آن که نقشی در تولید محصول یا خدمات

ندارد ارزش افزوده به وجود نمی‌آورد؛ و پ -
خدمات خانم‌های خانه‌دار در تهیه‌ی غذا و
خدمات خانه‌داری هرچند که قاعدتاً باید
ارزش افزوده تلقی شود ولی به علت آن که
این خدمات برای فروش عرضه نمی‌شود،
ارزش افزوده محسوب نمی‌گردد.

ارزش افزوده در اقتصاد
کلان

در اقتصاد کلان،
تولید ناخالص ملی هر
کشور معادل است با کل
ارزش افزوده‌ی ایجاد
شده در آن کشور. یعنی
با کمی مسامحه تولید
ناخالص ملی برابر است
با مجموعی از مزدها و
کارمزدهای شاغلین،
درآمد مالکین، درآمد
اجاره‌ای اشخاص، سود
شرکت‌ها، بهره‌ی خالص

و هزینه‌های مصرف سرمایه (استهلاک).
در سمت تولید حساب نامه‌های ملی،
ارزش پولی جریان کالاها و خدمات تولید
شده در یک دوره برحسب مخارج
مصرف‌کنندگان، بنگاه‌های اقتصادی، دولت
و خارجیان روی کالاها و خدمات طی

همان دوره اندازه گیری می شود. در مقابل در سمت درآمدها مجموعی اجرت های پرداختی به عوامل تولیدکننده محصولات و خدمات برحسب مخارج مصرفی، پرداخت های مالیاتی، پس انداز اندازه گیری می شود. یعنی تولید ناخالص ملی که به کمک ارزش محصول نهایی اندازه گیری می شود معادل تولید ناخالص ملی است که از طریق ارزش افزوده محاسبه می شود:

$$C+I+G+(X-M) = GNP = C+S+T(1)$$

در این معادله C برابر مخارج مصرف کننده؛ I معادل سرمایه گذاری ناخالص خصوصی داخلی کارخانه ها، تجهیزات، موجودی انبار و ساختمان ها؛ G معادل خریدهای کل دولت از کالاها و خدمات؛ X-M معادل خالص صادرات؛ S معادل پس انداز کل مصرف کنندگان و بنگاه های اقتصادی (به صورت ذخائر استهلاک و سود تقسیم نشده)؛ و T معادل خالص پرداخت های مالیاتی (کل مالیات های دریافتی دولت و تامین اجتماعی منهای پرداخت های انتقالی، بهره ای و یارانه ای) است.

بهره ای ارزش افزوده

همان طور که ملاحظه شد ارزش افزوده ای اقتصاد ملی معادل ارزش محصول نهایی جامعه است. به همین ترتیب، ارزش افزوده ای هر حلقه از تولید ارزش یک محصول عبارت از ارزش آن حلقه منهای ارزش حلقه های قبل است.

برای روشن شدن مطلب در نمودار ۱ ارزش افزوده ای حلقه های مختلف و ارزش محصول یک مورد فرضی تشریح شده است.

در نظر بگیرید در مثال نمودار ۱ ارزش محصول نهایی برابر با ۳۵ واحد است ولی از آنجا که ۵ واحد آن وارداتی می باشد، بنابراین تولید ناخالص داخلی سهم این محصول معادل ۳۰ واحد می باشد. از طرف

دیگر جمع ارزش های افزوده در حلقه های مختلف تولید نیز معادل ۳۰ واحد به شرح زیر است:

ارزش افزوده صادر کننده	ارزش افزوده خرده فروش	ارزش افزوده نانوائی	ارزش افزوده کارخانه کارخانه	ارزش افزوده گندم
۳	۲	۴	۶	۵
۳+۲+۴+۶+۵=۳۰				

مالیات ایجادکننده درآمد در مقابل مالیات مصرف کننده ی تولید

مالیات درآمد شامل کلیه عوامل تولید یا ایجاد ارزش افزوده می شود و بنابراین بیش تر به سمت درآمدی معادله ی (۱) یعنی $Y = C+S+T$ توجه دارد.

تقریباً همه ی حقوق بگیران، موجرین، مالکین، صاحبان سرمایه در شرکت ها و تامین کنندگان مالی فعالیت های اقتصادی، مشمول مالیات درآمد می شوند. از آنجایی که عمدتاً فشار مالیات درآمد متوجهی پس انداز اشخاص و شرکت ها است و از این طریق بر سرمایه گذاری اثر می گذارد، لذا این نوع مالیات که هنوز هم مهم ترین منبع تامین مخارج دولت ها است چندان مورد علاقه ی تصمیم گیران اقتصادی نیست. به اعتقاد آنها ایجادکنندگان ارزش افزوده نباید به خاطر نقش مهمی که در اقتصاد جامعه ایفا می کنند تحت فشار قرار گیرند.

در مقابل این نوع مالیات از دهه ی ۱۹۶۰ میلادی نوعی مالیات که در بعضی از کشورها با عنوان VAT یا ADDED TAX VALUE معروف است مطرح شده که به دلیل مزایای زیاد آن روزبه روز از مقبولیت بیشتری برخوردار گردیده است. بسیاری از کشورها این مالیات را به عنوان مکمل مالیات درآمد به نظام مالیاتی خود وارد کرده اند و سهم آن را از کل درآمد مالیاتی افزایش داده اند.

این مالیات که در ایران به غلط مالیات ارزش افزوده نام گرفته است در واقع مالیات مصرف کننده ی تولید است که چون از ارزش افزوده ای حلقه های مختلف تولید دریافت

می شود، به این عنوان نامیده شده است. این که مالیات ارزش افزوده ای ایجاد شده در حلقه ی تولید از محصول نهایی اخذ می شود به تنهایی کافی نیست تا این مالیات را مالیات ارزش افزوده بنامیم، زیرا همان گونه که بعداً ملاحظه خواهد شد، این دریافت مالیات صرفاً جنبه عملیاتی و علی الحساب دارد و به هیچ وجه به ارزش افزوده ای (تولید) تحمیل نمی شود، بلکه نهایتاً از مصرف کننده ی محصول نهایی اخذ می گردد. به نظر می رسد وجه تسمیه ای این عنوان ایجاد تمایز بین این شیوه از مالیات ستانی با شیوه ی RST یا RETAIL SALES TAX یعنی مالیات خرده فروشی باشد. زیرا از آنجا که هر دوی این شیوه ها وسیله ی دریافت مالیات مصرف هستند و وادی نظریه نتیجه ی هر دو شیوه رقم یکسانی را برای دولت به بار می آورد، لذا این عنوان فقط به دلیل شیوه ی محاسباتی به کار می رود نه به علت ماهیتش. توصیه می شود در ایران از عنوان دیگری مانند مالیات مبتنی بر ارزش افزوده یا مالیات کالا و خدمات که در بعضی از کشورها کاربرد دارد، استفاده شود.

انواع مالیات مصرف

مالیات مصرف برخلاف مالیات درآمد ادعای اجرای سیاست های توزیعی و تخصیصی را ندارد و به طور ساده هدف آن تامین مخارج دولت است. ولی از آنجا که به طور بالقوه می تواند این نقش را به نحو احسن ایفا کند، لذا قادر است با کاستن از فشار بار مالیات درآمد عوامل تولید آثار مهم اقتصادی به همراه داشته باشد. ایراد مهمی که به این نوع مالیات وارد است مربوط به آثار تورمی آن است.

منتقدان معتقدند که ستاندن مالیات مصرف علاوه بر بالا بردن سطح عمومی قیمت ها به دلیل ثابت بودن نرخ (غیرتصادفی بودن آن) به طور نسبی فشار

بیشتری را به طبقات کم درآمد وارد می‌آورد.

در مقابل موافقان اعتقاد دارند که اصولاً مالیات مصرف باعث انقباض اقتصاد می‌شود و اثر ضد تورمی دارد. ضمن آن که حل مسایل مربوط به عدالت اجتماعی را الزاماً وظیفه‌ی این مالیات نمی‌دانند. آن را صرفاً وسیله‌ای برای تامین مخارج دولت و کاهش فشار برای ستاندن مالیات درآمد تلقی می‌کنند.

اگر در نظر باشد آثار تورمی مالیات مصرف با آثار تورمی مالیات درآمد مقایسه شود، باید گفت که در کشورهای کم‌تر توسعه یافته عملاً تفاوت چندانی در آثار تورمی این دو نوع مالیات مشاهده نمی‌شود. زیرا در این کشورها به دلیل مسایل ساختاری مالیات درآمد نیز به هر حال به مصرف‌کننده منتقل می‌شود. از طرف دیگر تجربه‌ی کشورهای دیگر که این نوع مالیات را برقرار کرده‌اند نشان می‌دهد که سطح عمومی قیمت‌ها در سال‌های شروع ستاندن مالیات مصرف افزایش محسوس نیافته است. با این وجود بسته به نرخ این مالیات و نیز نوع کالاها و خدمات مشمول، میزان فشار ناشی از آن به طبقات کم‌درآمد متفاوت خواهد بود. هر چه دامنه‌ی معافیت کالاها و خدماتی که جزو سبد مصرف خانوارهای کم‌درآمد است گسترده‌تر و نرخ مالیاتشان پایین‌تر باشد به همان نسبت فشار ناشی از آن کم‌تر خواهد بود. از آنجا که در غالب موارد، کالاهایی مانند نان، گوشت، قند و شکر، میوه و تره‌بار، حبوبات، محصولات لبنی، دارو، و مسکن و خدماتی مانند حمل و نقل شهری، پزشکی و بهداشتی، و آموزش از معافیت مالیاتی برخوردارند و با توجه به آن که این نوع کالاها و خدمات در سبد مصرف خانوار نقش با اهمیتی دارند، لذا از بابت برقراری این نوع مالیات فشار بر اقشار کم‌درآمد محسوس نخواهد بود.

نگرانی که در این مورد می‌تواند وجود داشته باشد بیش‌تر از جانب تولیدکنندگان قابل طرح است که در بازاری با تقاضای پسرکشی فعالیت می‌کنند. تجربه‌ی چندساله‌ی اخیر کشور در مورد وضع عوارض گوناگون فروش که قانوناً باید به مصرف‌کننده منتقل می‌شد، موید این مطلب است. بیش‌ترین گلایه در این مورد نه از جانب مصرف‌کنندگان بلکه بیش‌تر توسط تولیدکنندگان عنوان می‌شد و این موضوع عیناً می‌تواند در مورد وضع مالیات مصرف اتفاق بیفتد.

نگرانی دیگری که در این زمینه وجود دارد مربوط به سوءاستفاده‌ی خرده‌فروشان جزء است که با وجود معاف بودن از پرداخت مالیات ارزش افزوده، نسبت به افزایش قیمت کالاها و خدمات مشمول مالیات اقدام می‌کنند بدون آن که از بابت سهم ارزش افزوده‌ی خود مالیاتی را به دولت بپردازند.

و بالاخره آخرین نگرانی تلقی کالاها و سرمایه‌ای به عنوان کالای مصرفی است. این موضوع می‌تواند علاوه بر فشار بی‌مورد به سرمایه‌گذار در هنگام ایجاد یا توسعه‌ی کارخانه یا کسب و کار، بهای تمام شده‌ی تولیدات را هرچند به نحو نامحسوس (به دلیل افزایش هزینه‌ی استهلاک) بالا ببرد.

مبانی تدوین مقررات و اجرا

روش محاسبه و وصول

برای محاسبه و وصول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده روش‌های متعددی پیشنهاد شده است، ولی آنچه در غالب کشورها در حال اجرا است روش کاهنده‌ی غیرمستقیم یا روش صورت حساب است. در این روش به کالاها و خدمات دریافت شده‌ی بنگاه، مالیات پرداخت می‌شود و از این بابت بنگاه از سازمان مالیاتی بستانکار می‌گردد سپس به هنگام فروش کالا یا خدمات براساس صورت حساب‌های صادره از

خریدار مالیات دریافت می‌شود و این بار به حساب بستانکار سازمان مالیاتی منظور می‌شود. در پایان هر دوره مانده‌ی حساب سازمان مالیاتی را بنگاه پرداخت می‌کند و در صورتی اضافه پرداختی داشته باشد دولت این اضافه پرداختی را به آن باز می‌پردازد.

نرخ

نرخ مالیاتی می‌تواند متعدد یا یکسان باشد. هر چند استفاده از نرخ‌های متعدد دارای مزایایی است ولی مزایای کاربرد نرخ یکسان به حدی است که موجب شده تا غالب کشورها نرخ واحد را برگزینند.

تعیین نرخ مالیات مصرف از مهم‌ترین مسایلی است که در یک تجربه‌ی جدید باید به آن توجه شود. نرخ مالیات مصرف با در نظر گرفتن موارد زیر تعیین می‌شود: الف- هزینه‌ی وصول مالیات، ب- کالاها و خدمات معاف از مالیات و اشخاص و بنگاه‌های معاف از وصول مالیات، پ- کالاها و خدمات مشمول نرخ صفر، ت- زمینه‌های فرار مالیاتی در جامعه، ث- میزان فشار ناشی از افزایش قیمت کالا و خدمات به افراد کم‌درآمد، ج- میزان تعدیل در نرخ‌های مالیات بردرآمد.

با توجه به عوامل فوق کشورهای مختلف نرخ‌هایی بین ۵ تا بیش از ۲۰ درصد را اعمال می‌کنند. نرخ‌های درحد ۵ درصد شاید برای شروع و ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجرایی این نوع مالیات مفید باشد ولی به‌عنوان نرخ هدف توصیه نمی‌شود.

نرخ صفر

هنگامی که فعالیتی از شمول مالیات مبتنی بر ارزش افزوده خارج است و ضمن آن انجام دهنده آن فعالیت محق به باز دریافت مالیات کالا و خدمات دریافتی پرداختی می‌باشد. اصطلاحاً عنوان می‌شود ادامه در صفحه ۵۷

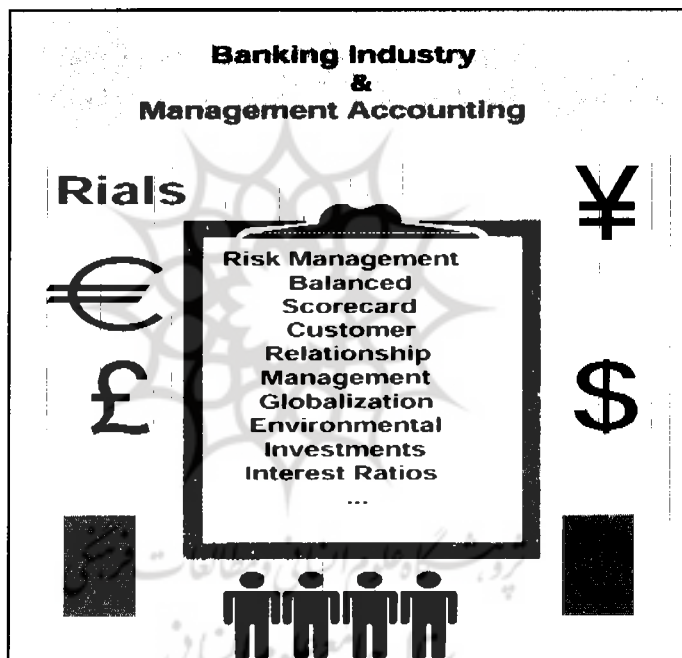
حسابداری مدیریت و صنعت بانکداری*

ابوالقاسم فخاریان

پراکنندگی جغرافیایی و ارتباط‌های بین‌المللی و نهایتاً دامنه و تنوع ریسک و پیچیدگی اندازه‌گیری و مهار ریسک و ضرورت گزارشگری عملکرد مدیریت به سهامداران، کاربرد نظام اطلاعاتی حسابداری و در محور اصلی آن حسابداری مدیریت را در بانک‌ها پراهمیت ساخته است. این نوشتار با محور قراردادن نقش و اهمیت

تدوین و پیشبرد استراتژی‌ها و اعمال مدیریت مبتنی بر ارزش در بانک‌ها به معرفی کاربرد مفاهیم و فنون حسابداری مدیریت در نظام بانکی به شرح زیر خواهد پرداخت: سنجش رضایت‌مندی مشتریان و اعمال مدیریت پایدار مشتری (CRM)، اعمال مدیریت مبتنی بر ارزش (VBM) شامل ابزارها و تکنیک‌ها، کنترل و سنجش پیشبرد استراتژی‌ها، و مدیریت ریسک. این نوشتار در پایان به تجارب تحول در نظام بانکداری چند کشور از جمله ژاپن و ایتالیا به صورت اجمالی می‌پردازد و نقش حسابداری مدیریت را در این تحول باز می‌گوید.

برای معرفی نقش و جایگاه حسابداری مدیریت در صنعت



پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پیوستگی نزدیک بین سطح و کیفیت صنعت بانکداری که موضوع اقتصاد خرد است با سیاست‌های پولی که موضوع و مقوله‌ی اقتصاد کلان است وجود دارد.

بانک‌ها برای آن که نقش خود را در اقتصاد کلان به‌خوبی ایفا کنند باید سودآور باشند و با

پشتوانه‌ی سرمایه قوی و توان ایستادگی در مقابل رویدادهای ریسک‌آمیز موفقیت و رشد پایدار خود را تضمین نمایند.

چالش بزرگ بانک‌های تجاری در شرایط فوق‌العاده شدید رقابتی تلاش برای ماندگاری و موفقیت پایدار است و ماندگاری و موفقیت بانک‌ها در گرو انعطاف‌پذیری و سرعت در تأمین نیازهای مشتریان و توان پاسخ‌گویی به انتظارات سهامداران است. موفقیت و رشد پایدار نظام بانکی هم چنین مستلزم برخورداری از نظام مدیریتی مناسب و زیر ساخت‌های لازم از جمله قوانین و مقررات و بهره‌مندی از نظام‌های اطلاعاتی حسابداری اتکاپذیر است.

عواملی همانند تنوع و تغییرپذیری محصولات (خدمات)، حجم وسیع معاملات، ضرورت به‌هنگامی ارائه‌ی خدمات،

بانکداری ابتدا ضروری است با ویژگی‌های عمده‌ی صنعت بانکداری از منظر نظام حسابداری مدیریت و تاثیراتی که این صنعت می‌تواند بر کارکرد حسابداری مدیریت به‌جاگذارد آشنا شویم:

● صنعت بانکداری بیش از هر چیز مبتنی بر زمان است و لذا موفقیت در این صنعت به‌میزان زیادی بدین امر بستگی دارد که با کم‌ترین هزینه و صرف وقت، بیش‌ترین ارزش ایجاد گردد.

● در صنعت بانکداری ما با تنوع محصولاتی روبه‌رو هستیم که از تغییرپذیری دائمی برخوردار است. نیازهای گوناگون مشتریان بانک‌ها و رقابت نزدیک بین بانک‌ها و تحولات فناوری پاسخ‌گویی به این نیازها و لذا افزودن دائم به دامنه‌ی خدمات بانکی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

● هم‌چنین در صنعت بانکداری حجم خدمات (تعداد مشتریان و تعداد رویدادها) بسیار قابل ملاحظه است که سرعت پردازش رویدادها و عملیات را پراهمیت می‌سازد.

● مشتریان سودده هزینه‌ی مشتریان زیان‌ده را پوشش می‌دهند. در بسیاری از بانک‌ها بالغ بر ۸۰٪ مشتریان دارای مانده حساب‌های اندک ولی پرگردش هستند که در نتیجه برای بانک منشا زیان هستند، در حالی که ۲۰٪ مشتریان با مانده حساب‌های قابل ملاحظه و کاملاً سودآور (در قیاس با گردش عملیات) زیان گروه اول را جبران می‌نمایند. با توجه به این واقعیت، در بانک‌ها قیمت‌گذاری خدمات قابل ارائه به مشتریان با هزینه‌ی انجام خدمات به آنها تناسب ندارد.

● در صنعت بانکداری با تنوع و دامنه‌ی قابل توجه ریسک روبه‌رو هستیم. مواجهه بودن با ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک نام و اعتبار بانک در کنار ریسک‌های عمومی (اقتصادی، محیطی، سیاسی و غیره)، مقوله‌ی مدیریت ریسک را در بانک‌ها به‌عنوان یک امر اساسی مطرح می‌سازد.

● شدت رقابت بین بانک‌ها به لحاظ تعدد بانک‌ها، شعب و مشابهت محصولات.

● پراکندگی جغرافیایی دامنه‌ی عملیات و لزوم ایجاد تعادل بین استقلال و تفویض اختیار با لزوم کنترل توسط مرکز.

● تاثیرات قابل ملاحظه فناوری اطلاعات و ارتباطات و به‌جریان افتادن نظام‌های بانکداری الکترونیکی.

● لزوم انجام معاملات بین‌المللی و ارتباط‌های جهانی با بنگاه‌های اقتصادی و سایر بانک‌ها در سراسر جهان.

اما دو ویژگی پراهمیت دیگر بانک‌ها که باید در مقایسه با محیط‌های تولید صنعتی مورد تاکید بیشتر قرار گیرد به‌شرح زیر می‌باشد:

الف) در تولید صنعتی، تولید محصول قبل از فروش انجام می‌شود و هزینه‌های تولید قبل از فروش صورت می‌پذیرد در حالی که در بانک‌ها فروش قبل از فرایند تولید انجام می‌یابد

(به‌عنوان مثال، ابتدا حساب جاری و یا پس‌انداز افتتاح می‌شود و در نتیجه فروش انجام می‌یابد ولی تولید و ارائه‌ی خدمات متعاقب آن در طول زمان رخ می‌دهد).

ب) در تولید صنعتی، سود با فروش محصول ایجاد می‌شود در حالی که در بانکداری سود حاصل کارکرد مشتریان در آینده است (مانده‌ی حساب مشتریان در طول زمان).

استراتژی ارزش آفرینی در بانک

با مرور ویژگی‌های صنعت بانکداری به‌شرح فوق، در ادامه‌ی مقاله به تشریح استراتژی ارزش آفرینی در صنعت بانکداری و نقش حسابداری مدیریت در پیشبرد استراتژی‌ها پرداخته خواهد شد.

مقدمتاً ضروری است به معرفی ماموریت (Mission) یک بانک تجاری که استراتژی برپایه‌ی آن معماری می‌شود بپردازیم. مدل نمونه از ماموریت یک بانک تجاری می‌تواند به‌شرح زیر تبیین گردد.

● رشد کسب و کار بانک با هدف اصلی به حداکثر رسانی ارزش برای سهامداران؛

● تبدیل شدن به "بانک خدمتگزار" و عرضه‌ی انواع محصولات به مشتریان در هر نقطه و هر زمان؛

● اداره‌ی بانک به‌صورت یک بانک تجاری پویا، در کلاس جهانی و مشتری مدار؛

● بهبود و ارتقاء زیر ساخت‌ها و فرایندهای بانک به‌منظور رقابت موثر با رقبا؛

● ارتقاء کیفیت مدیریت ریسک.

با تعریف ماموریت به‌شرح فوق، استراتژی یک بانک تجاری را می‌توان در قالب نمودار زیر نشان داد. در تدوین استراتژی بانک‌ها، مدیریت ریسک، عنصر اصلی و پراهمیت است که نادیده گرفتن آن می‌تواند پیشبرد و تحقق استراتژی را با مخاطرات جدی و عدم توفیق مواجه سازد. با فرض اداره‌ی بانک بر مدار استراتژی و هدف ارزش آفرینی برای همه ذی‌نفع‌ها در ادامه نقش حسابداری مدیریت در محورهای زیر تشریح خواهد شد.

مدیریت پایداری مشتریان CRM

مدیریت پایداری مشتریان عبارت است از ایجاد، توسعه و تعمیق ارتباط با یک مشتری یا گروهی از مشتریان که جزء بازار هدف بانک می‌باشند، به‌منظور افزایش ارزش آفرینی برای مشتریان طی دوره‌ی مناسبات تجاری آنان با بانک و نهایتاً حفظ و نگهداری مشتریان. امروزه دیگر توجه اصلی بانک‌ها معطوف به پرتفوی محصولات (خدمات) نیست بلکه جلب و حفظ مناسبات با مشتریان نقطه‌ی تمرکز بانک‌ها قرار گرفته است که عمدتاً با تدابیری مانند عرضه‌ی محصول ارزشمند در زمان

می‌شود. با افزایش بی‌ثباتی شرایط کسب و کار و دامنه‌ی تغییرپذیری بنگاه‌ها و هم‌چنین پیچیدگی‌های بازار سرمایه، مدیریت ریسک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. سیستم‌های سنتی کنترل ریسک در شرایط پیچیده‌ی نوین بانکداری دیگر پاسخگو نیست و مقرراتی که "کمیت‌هازل" تدوین کرده است، به‌کارگیری سیستم‌های جامع‌تر مدیریت ریسک را برای بانک‌ها الزامی نموده است. ریسک‌های عمده‌ای را که بانک‌ها با آنها مواجه‌اند می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- ریسک اعتباری: عبارت است از ریسک عدم ایفای تعهدات مشتریانی که از اعتبارات بانک استفاده کرده‌اند. مدیریت ریسک اعتباری در قالب ارزیابی زیان احتمالی عدم پرداخت دیون، وام‌ها و اعتبارات اسنادی محقق می‌گردد.

۲- ریسک بازار: عبارت است از کاهش احتمالی ارزش پرتفوی و ابزارهای مالی ناشی از تغییرات بازار شامل تغییر در نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت سهام و کالا.

۳- ریسک نقدینگی: مخاطرات احتمالی ناتوانی بانک در تامین نقدینگی برای تادیه یا تبدیل دیون حال شده (ریسک کفایت سرمایه).

۴- ریسک عملیاتی: که ریسک از نارسایی در نظام‌های عملیاتی و کارایی نیروها است. تدابیری که برای مدیریت ریسک عملیاتی اتخاذ می‌شود می‌تواند شامل اقداماتی نظیر تدوین و اجرای نظام‌های کنترلی مناسب، ایجاد کمیته‌ی ریسک، انعکاس و گزارشگری نارسایی‌ها و کنترل و پی‌گیری اقدامات اصلاحی باشد.

حسابداری مدیریت نقش مهمی در شناسایی، تجزیه و تحلیل، ارزیابی، کنترل و انعکاس ریسک مرتبط با وظایف و فرایندها در جهت به حداقل رساندن زیان‌های احتمالی و بهره‌برداری مطلوب از فرصت‌ها به‌عهده دارد.

حسابداری مدیریت می‌تواند این وظایف را در چارچوب مدیریت ریسک در بانک‌ها انجام دهد و نقش بسزایی در جلب اعتماد سهامداران و مشتریان ایفا نمایند. طبق تحقیق انجام یافته توسط انجمن حسابداران استرالیا در بیش از ۹۰٪ موارد، حسابداران مدیریت عضو کمیته‌ی ریسک بانک‌ها و در بسیاری موارد مدیر اصلی واحد مدیریت ریسک بنگاه‌ها بوده‌اند.

مدل استراتژی یک بانک تجاری



مناسب و با قیمت منطقی و رقابت‌آمیز و انعطاف‌پذیری در پاسخ‌گویی به نیازهای مشتریان میسر می‌گردد.

تاکنون حسابداری مدیریت به مسایلی مانند هزینه‌یابی انواع خدمات یا هزینه‌های شعب توجه می‌کرد، اما از این پس مقوله‌ی مشتری نیز اضافه شده و ابعاد جدیدی به مسئولیت‌های حسابداری مدیریت داده است. حسابداری مدیریت با به‌کارگیری ابزارهای جدید سنجش ارزش مشتریان می‌تواند به مدیریت بانک‌ها بگوید کدام مشتری یا مشتریان منشاء درآمدزایی هستند و کدام مشتریان موجب هدر رفتن منابع بانک.

بررسی‌ها و تحقیقات گوناگونی در خصوص آثار و نتایج به‌کارگیری شیوه‌ی CRM در بانک‌ها انجام شده و نتایج قابل توجهی را به‌دست داده است. از جمله این تجارب می‌توان به تجزیه‌ی بانک اعتباری (De Credite) کشور پرو اشاره نمود که دارای ۳۰٪ سهم بازار، ۲۲۰ شعبه، و بالغ بر یک میلیون مشتری می‌باشد. نتایج عمده‌ی استفاده از CRM و سنجش ارزش مشتریان توسط حسابداری مدیریت در این بانک به‌قرار زیر بوده است. افزایش بهره‌وری از ۳۰٪ به ۸۵٪؛ ۴۰٪ رشد؛ و سالیانه ۵ میلیون دلار صرفه‌جویی در هزینه‌ها.

مدیریت ریسک در حسابداری مدیریت

مدیریت ریسک عبارت است از مجموعه تدابیر، سازوکارها و فرایندهایی که برای بهره‌گیری از فرصت‌ها یا کاهش آثار منفی تهدیدهای احتمالی برای موفقیت و پایداری بنگاه به‌کارگرفته

منطقی بین فعالیت‌های بانک با منابع مورد نیاز به منظور هزینه‌یابی هر یک از فعالیت‌ها، تعیین دقیق بهای تمام شده‌ی محصولات (خدمات) و شناسایی فعالیت‌های ارزش‌زا.

هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت یکی دیگر از ابزارها و فنون حسابداری مدیریت است که امروزه به میزان وسیعی در بانک‌ها برای اعمال مدیریت مبتنی بر فعالیت و پیشبرد استراتژی‌های ارزش آفرینی به کار برده می‌شود. برای آشنایی دقیق‌تر با کاربرد هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت در نظام بانکی، تجربه آزموده شده به کارگیری این ابزار را در یک بانک متوسط در انگلیس بررسی می‌نمایم. بانک مورد نظر ابتدا فرایند استقرار و بهره‌برداری از نظام هزینه‌یابی هدف را به شرح زیر برای خود برشمرد:

● شناسایی عناصر هزینه،

● تهیه‌ی فهرستی از فعالیت‌ها (Dictionary)،

● شناسایی محرکه‌های هزینه،

● شناسایی انواع خدمات به مشتریان، مانند (اعطای انواع وام‌ها - نگاهداری انواع حساب‌ها - عملیات اجاره - کارت‌های اعتباری)،

● تعیین بهای تمام شده‌ی خدمات / محصولات،

● تعیین سودآوری هر یک از خدمات،

● تعیین سودآوری هر نوع مشتری / بخشی از مشتریان.

برخی از فعالیت‌های شناسایی شده که در بانک مورد نظر موضوع هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت قرار گرفت به قرار زیر است:

افتتاح / بستن حساب‌ها، صدور دسته چک، پرداخت چک، ارائه‌ی خدمات خودپرداز (ATM)، پاسخ‌گویی به سوالات مشتریان، اقدام نسبت به تقاضای وام، دریافت اقسام وام، حواله وجوه، انجام عملیات کارت اعتباری، تهیه / ارسال صورت حساب‌های بانکی، مشاوره‌های مختلف مالی / سرمایه‌گذاری / بیمه،

در شناسایی و طبقه‌بندی فعالیت‌ها هزینه‌های مربوط به برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت منابع انسانی، مدیریت مالی، روابط عمومی و امثالهم که جمعاً ۱۵٪ کل هزینه‌ها را تشکیل می‌داد هزینه‌های ستادی و پشتیبانی تلقی شد و به انواع محصولات (خدمات) سرشکن نگردید و به عنوان هزینه‌های دوره از سود و زیان کسر شد. براساس به کارگیری نظام هزینه‌یابی مبتنی بر فعالیت (با مشخصات فوق) نتایج عمده‌ی زیر به دست آمد:

● ۵۰٪ محصولات، کل سود بانک را ایجاد می‌نمودند،

● برخی محصولات بیش از انتظار سودآور می‌نمودند.

● بعضی از محصولات که تصور می‌شد سود آورند در واقع

زیان‌ده بودند.

● برخی از مشتریان / گروه مشتریان زیان‌ده بودند (مثال: حساب‌های جاری با مانده‌های اندک).

براساس نتایج به دست آمده فوق در بانک مورد نظر، (۱) ارائه‌ی برخی خدمات حذف شد، (۲) ارائه‌ی برخی خدمات به بیرون

سپرده شد (مانند خدمات رایانه‌ای) و (۳) توسعه‌ی عرضه‌ی برخی از خدمات در دستور قرار گرفت، و نهایتاً با کمک حسابداری مدیریت مبانی لازم برای اعمال مدیریت مبتنی بر ارزش (VBM) در بانک فراهم شد.

ارزیابی هزینه‌ها در بانک‌ها

کاپلان و نورتون در عرصه‌ی حسابداری مدیریت تحقیقی را با به کارگیری ارزیابی متوازن در بانک مترو (Metro) انگلیس انجام دادند. خلاصه‌ی این تحقیق می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از آثار به کارگیری ارزیابی متوازن، که یکی دیگر از ابزارها و فنون حسابداری مدیریت برای موفقیت سازمان‌ها می‌باشد مورد توجه قرار گیرد.

ارزیابی متوازن، روش ارزشیابی عملکرد و سنجش پیشبرد استراتژی است که از ۴ منظر مشتری، فرایندهای داخلی، یادگیری و رشد و منظر مالی، تحقق و پیشبرد استراتژی‌ها را می‌سنجد. در این روش که معیارهای مالی و غیرمالی با یکدیگر تلفیق می‌گردند به صورتی متعادل و از ابعاد مختلف موفقیت در پیشبرد استراتژی‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته و برپایه‌ی تحلیل علت و معلولی ریشه‌یابی و سنجش آثار اقدام در هر یک از عرصه‌های چهارگانه‌ی فوق بر سایر عرصه‌ها و کل بنگاه انجام می‌یابد.

مورد آوازی بانک مترو

مشکلات بانک مترو، قبل از به کارگیری ارزیابی متوازن به قرار زیر بود:

● اتکاء به یک محصول عمده (پس اندازها)،

● عدم سودرسانی بالغ بر ۸۰٪ مشتریان،

● نامناسب بودن ساختار هزینه و بالا بودن بهای تمام شده‌ی خدمات. بانک مترو در صدد بود از یک بانک دریافت و پرداخت‌کننده‌ی وجوه به یک مشاور مالی کارآمد و مورد اعتماد تبدیل شود و تدابیر زیر را به عنوان استراتژی حل بحران اتخاذ نمود:

● تغییر تصویر شرکت در ذهن مشتریان،

● رشد درآمد با تنوع بخشیدن به محصولات (خدمات)،

● افزایش بهره‌وری و کارایی و توانمندی کارکنان،

● بهبود فرایندها،

● افزایش رضایت‌مندی مشتریان،

● اعمال مدیریت هزینه،

● افزایش سودآوری.

به منظور سنجش پیشبرد استراتژی‌های فوق استفاده از روش ارزیابی متوازن در بانک در دستور قرار گرفت و با به کارگیری مجموعه‌ی این تدابیر بر مشکلاتی که ادامه‌ی حیات بانک را با مخاطره روبه‌رو ساخته بود غلبه شد.

نتیجه گیری

طی دو دهه‌ی گذشته ساختار سازمانی بانک‌های بزرگ تغییرات اساسی یافته است. رشته‌های مختلف فعالیت بانک‌ها به واحدهای نیمه خودگردان و غیرمتمرکز تبدیل شده است که هر یک از لحاظ نوع خدمات، مشتریان، مکان جغرافیایی تفکیک شده و تخصصی عمل می‌نمایند. این تفکیک فعالیت و عدم تمرکز، مسایل خاص مرتبط با سنجش عملکرد، مدیریت ریسک و نحوه‌ی مناسب اختصاص منابع در بانک‌ها را پیش روی بانک‌ها قرار داده است.

در پاسخ به این تحولات، حسابداران مدیریت راه حل‌های جدیدی را برای پاسخ‌گویی به نیاز بانک‌ها از جمله روش ارزش‌گذاری و انتقال وجوه بین رشته‌های مختلف فعالیت‌ها، نحوه‌ی اختصاص منابع سرمایه‌ای و تعیین نرخ بازده سرمایه‌گذاری با توجه به عامل ریسک و نحوه‌ی اختصاص هزینه‌یای مشترک به انواع موضوعات هزینه‌یایی (محصولات، مشتریان، فعالیت‌ها) ابداع نموده و به کار گرفته‌اند.

ابتکارات و ابزار و فنون ارائه شده توسط حسابداران مدیریت به بانک‌ها امکان داده است تا به رشد و ارتقاء بازارهای سرمایه‌ی داخلی کمک کنند، انواع ریسک‌ها را بشناسند و بسنجند تا بتوانند آنها را پوشش دهند و منابع بانک‌ها را صرف فعالیت‌هایی نمایند که بیش‌ترین ارزش‌زایی را برای ذی‌نفع‌های بانک در برداشته باشد. بنابر گفته‌ی پروفیسور کیمبل استاد دانشگاه بوستون و مشاور بانک فدرال رزرو آمریکا "تاکنون حسابداران به‌ندرت به‌عنوان قهرمانان اسطوره‌ای مطرح شده‌اند. اما طی ۱۰ سال گذشته حسابداران مدیریت در صنعت بانکداری چنین جایگاهی را یافته‌اند."

* این مقاله در همایش حسابداری و توسعه‌ی بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۸۲ برگزار شد ارائه گردید.

منابع

- 1- Innovations in performance Measurement in Banking-Ralph Kimball.
- 2- Strategy Focused Organization-Robert Kaplan.
- 3- Integrating Asset/Management and Profitability-Karen Schwall.
- 4- Cost & Effect-Kaplan & Cooper.
- 5- Risk Management for Enhancing Stateholders Value IFAC-2003.
- 6- Beyond Budgeting-Robin Fraser-2003.
- 7- Financial Management Nov.2001.
- 8- Digital Divide in Banks-Bank of Japan Conference-October 2003.

دامنه‌ی خدمات حسابداری مدیریت در صنعت بانکداری برخلاف آنچه در ظاهر امر به نظر می‌رسد، کاربرد مفاهیم و فنون هزینه‌یایی و حسابداری مدیریت در بخش خدمات بیش از بخش صنعت ضرورت و اهمیت یافته است. بانک جهانی در بررسی مشکلات نظام بانکی اندونزی از جمله راه‌کارهایی را که ارائه می‌نماید به ضرورت استقرار بهره‌برداری از سیستم حسابداری مدیریت اشاره می‌نماید. بالغ بر ۵۰٪ حسابداران مدیریت که عضو انجمن حسابداران خبره‌ی مدیریت انگلستان (CIMA) می‌باشند در صنعت بانکداری و موسسات مالی به کار اشتغال دارند که نشان‌دهنده‌ی اهمیت حضور حسابداران مدیریت در صنعت بانکداری است. با توجه به مطالبی که تاکنون در این مقاله آورده شد، می‌توان دامنه‌ی کار و فعالیت حسابداری مدیریت در صنعتی بانکداری را به شرح زیر برشمرد:

- آنالیز هزینه و محاسبه‌ی بهای تمام شده‌ی عملیات شعب، رشته‌های فعالیت، محصولات، مشتریان، فعالیت‌ها،
- تعیین سودآوری انواع خدمات. محصولات/گروه‌های مشتریان،
- سنجش انواع ریسک‌ها و کمک به مدیریت ریسک،
- سنجش عملکرد و پیشبرد استراتژی‌ها،
- ایجاد امکان اعمال مدیریت هزینه و مدیریت مبتنی بر ارزش،
- ارائه‌ی اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری‌ها مانند افتتاح/بستن شعبه، ارائه‌ی خدمات جدید/حذف خدمات فعلی،
- فراهم آوردن ابزار برای مدیریت پایداری مشتریان،
- تعیین بهای تمام شده پول،
- اندازه‌گیری دارایی‌های نامشهود،
- سنجش مسئولیت‌های اجتماعی بانک.

هر یک از موارد فوق می‌تواند موضوع بحث دامنه‌دار بیش‌تری قرار گیرد، اما خالی از مناسبت نیست که یکی از وظایف برشمرده شده‌ی فوق (هزینه‌یایی و محاسبه‌ی بهای تمام شده) در نظام بانکی را تشریح نماییم: در سیستم بانکی هزینه‌یایی و محاسبه بهای تمام شده برای انواع موضوعات هزینه‌یایی و فعالیت‌ها می‌تواند انجام یابد که ذیلاً نمونه‌هایی از این موضوعات مورد اشاره قرار می‌گیرد:

- | | |
|---------------------------------|--------------------|
| ● هزینه‌یایی محصول | ● پرداخت چک |
| ● هزینه‌یایی یک مشتری | ● لیزینگ خودرو |
| ● هزینه‌یایی یک گروه از مشتریان | ● شرکت مخابرات |
| ● هزینه‌یایی یک رشته کسب‌وکار | ● سازمان‌های دولتی |
| ● هزینه‌یایی یک شعبه | ● اعطای اعتبارات |
| | ● شعبه ارزی /ریالی |
| | ● شعبه درجه ۱ و ۲ |

پرده آخر

بحثی در فقر و غنای "هدف صورت‌های مالی"

(ادامه معمای پنج پرده)

عبدالرضا تالانه

ه. قلمه

برای تصمیم‌گیری محروم می‌کند، که این پیامد غیرقابل تحمل است؛ و یا این که هر دو را دچار مشکل می‌کند.

پیامد پنج پرده

پرده اول. در این پرده، دو مجموعه اطلاعات مستقل از هم فرض شده‌اند. در این حالت با پذیرش گزاره هدف هیچ اطلاعی قابل درج در صورت‌های مالی نخواهد بود زیرا دو مجموعه اطلاعات فصل مشترکی ندارند. این پیامد برای استفاده‌کننده و کمیته ایرانی هر دو ناخوشایند است.

پرده دوم. این پرده، که بسیار خوش‌بینانه است، حالتی را نشان می‌دهد که دو مجموعه A و B کاملاً همپوش هستند. با قبول گزاره هدف، در این حالت، نتیجه کار برای استفاده‌کننده خوشایند خواهد بود و او به همه اطلاعات مفید از مجموعه M برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی دست می‌یابد. اما نتیجه این پرده برای کمیته ایرانی ناخوشایند است زیرا هر چه را اعضای کمیته راجع به اطلاعات درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی، و انعطاف‌پذیری مالی رشته‌اند، پنبه می‌کند. یا آن عبارت ردیف ۴ تابلوی یک (غیر از واحد تجاری)^۱ از گزاره هدف و از سایر بخش‌های

در شماره ۱۵۶ ماهنامه "حسابدار" گزاره "هدف صورت‌های مالی" کار کمیته تدوین استانداردهای حسابداری در مقاله‌ای با عنوان "معمای پنج پرده" مورد بحث و بررسی قرار گرفت. بحث پیشین به آنجا رسید که گزاره هدف تدوینی کمیته، علاوه بر اشکال در اجزاء، از یک مشکل اساسی رنج می‌برد. به منظور تشریح مشکل، روابط بین دو مجموعه اطلاعات درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی از یک سو و مجموعه اطلاعات مفید از سوی دیگر در پنج پرده به تصویر درآمد که آنها را در نمودار یک ملاحظه می‌کنید. سرانجام بحث پیشین را با این سوال به پایان بردم که کمیته تدوین استانداردها گزاره هدف را با توجه به کدام پرده نگاشته است که تاکنون پاسخی از سوی کمیته ایرانی و دیگران دریافت نشده است.

در این مقاله تحلیل و پیشین دنبال می‌شود، و در ادامه خواهید دید که پاسخ کمیته هر چه باشد باز به مشکل برمی‌خوریم. این مشکل یا گریبان کمیته تدوین استانداردها و گزاره هدف او را می‌گیرد، که قابل تحمل است؛ یا دامن استفاده‌کننده را می‌گیرد و او را از داشتن اطلاعات مفید

به عهده نمی‌گیرد. در نتیجه هر آنچه که اعضای کمیته در سایر بخش‌های مجموعه مفاهیم نظری در این راستا نوشته‌اند، بیهوده است.

پرده چهارم. این پرده حالتی برعکس پرده قبلی را نشان می‌دهد. در این پرده همه اطلاعات نوع A برای تصمیم‌گیری مفید هستند و تماماً گزارش می‌شوند. اما این نتیجه برای استفاده‌کننده ناخوشایند است و او دوباره از داشتن اطلاعات مفید محروم می‌شود، تنها به این دلیل که بخشی از اطلاعات مفید، درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی، و انعطاف‌پذیری مالی نیست. بنابراین تصمیمات استفاده‌کننده براساس اطلاعات مفیدی اتخاذ می‌شود که ناقص است.

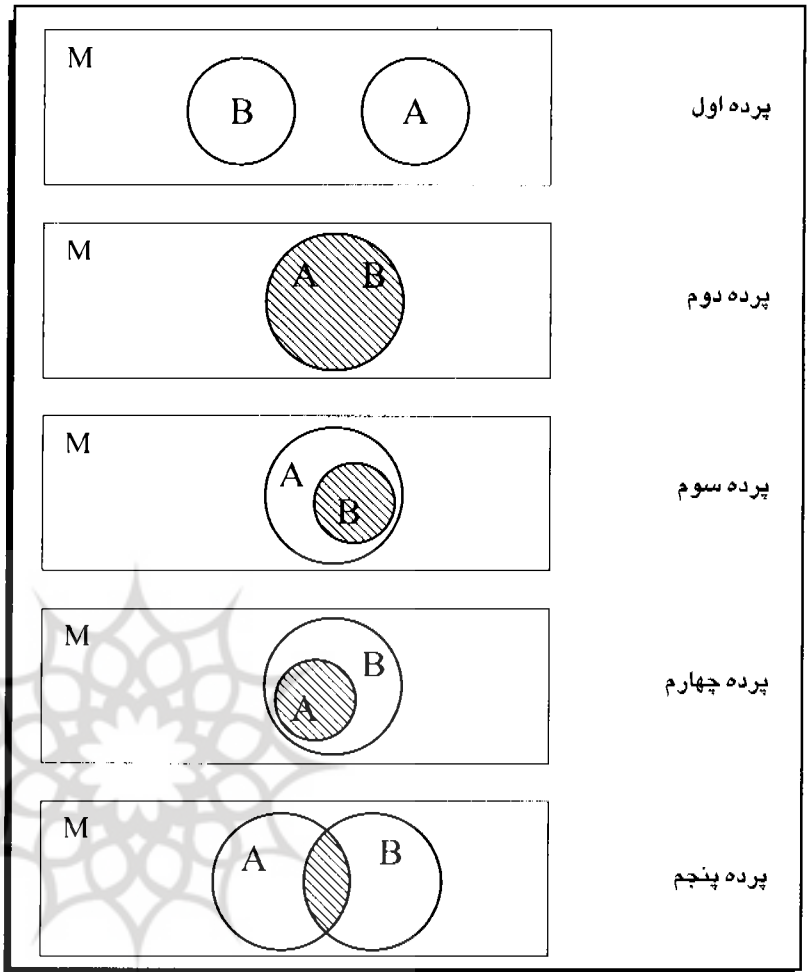
پرده آخر. آخرین پرده وضعیتی را نشان می‌دهد که دو مجموعه A و B متداخل یا تا حدی همپوش هستند. در این حالت، پذیرش گزاره هدف باعث می‌شود تا فقط فصل مشترک دو مجموعه اطلاعات در صورت‌های مالی

گزارش شود. این بدان معنی است که بخشی از اطلاعات قابل درج در صورت‌های مالی که می‌توانست برای تصمیم‌گیری استفاده‌کننده مفید باشد، اجازه ورود به صورت‌های مالی را نمی‌یابند. در نتیجه و بنا به تجویز کمیته، تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان براساس اطلاعات مفید ارائه شده در صورت‌های مالی شکل می‌گیرد که ناقص هستند.

بارخوانی گزاره هدف در دنیای واقعی

راستی در دنیای واقعی کدام پرده رخ می‌نماید؟ و رابطه بین اطلاعات درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی از یک سو، و اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری از سوی دیگر چگونه است؟ به این سوال از

مجموعه A اطلاعات درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی است و مجموعه B اطلاعات مفید است



مفاهیم نظری باید حذف شود، یا قید مفید بودن از گزاره هدف. اگر این راهکار دوم را برگزینیم، آنگاه باید تمام فصل دوم مجموعه مفاهیم نظری که به خصوصیات کیفی اطلاعات می‌پردازد، حذف شود و آن وقت اعضای کمیته بنشینند و معیارهای گزینش اطلاعات درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی، و انعطاف‌پذیری مالی را تعریف کنند.

پرده سوم. در این پرده، اطلاعات مفید زیر مجموعه‌ای از A است. در این حالت پذیرش گزاره هدف باعث می‌شود تا همه اطلاعات مفید به صورت‌های مالی راه یابند و از این نظر پیامد پرده سوم برای استفاده‌کننده خوشایند است اما برای کمیته ایرانی نه. زیرا در این حالت عبارت مورد بحث ردیف ۴ بی‌استفاده می‌ماند^۲ و هیچ نقشی را در گزاره هدف

عقل سلیم

گزاره هدف تدوینی کمیته ایرانی، دست کم در نگارش، از معیار عقلی دور شده است. عقل سلیم می‌گوید استفاده‌کننده صورت‌های مالی از اطلاعات مفید ارائه شده در صورت‌های مالی در فرایند تصمیم‌گیری خود استفاده می‌کند نه از غیر مفیدهای آن. بنابراین، باید اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری استفاده‌کننده در صورت‌های مالی گزارش شود، مهم نیست این اطلاعات درباره چه باشد.

هیات آمریکایی (FASB) اساس کار خود را بر مفید بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری استفاده‌کننده قرار می‌دهد و اطلاعات مفید را در سلسله اهداف گزارش‌دهی مالی تجویز می‌کند و همانجا آن را به اطلاعات دیگری آلوده نمی‌کند.

ظاهر کمیته ایرانی نیز به مفید بودن اطلاعات باور دارد و سعی می‌کند اطلاعات مفید را برای تصمیم‌گیری استفاده‌کننده در گزاره هدف درج و در صورت‌های مالی ارائه کند، اما وارد کردن اطلاعات دیگری در گزاره هدف باعث شده تا سایر اطلاعات مفیدی که می‌توانند در صورت‌های مالی گزارش شوند، هرگز به صورت‌های مالی راه نیابند. یعنی، گزاره هدف با درج عبارت "درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی" آلوده شده است.

منظر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی می‌توان پاسخ داد. البته برای پاسخ گفتن باید الگوی تصمیم‌گیری و سایر منابع اطلاعاتی در دسترس آنان را شناخت. اما می‌توان حدس زد که همه استفاده‌کنندگان اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی را یکسان نمی‌بینند.

برخی از استفاده‌کنندگان احتمالاً به منابع اطلاعاتی غنی‌تری دسترسی دارند و به اطلاعات عرضه شده در صورت‌های مالی هم‌چون پرده اول می‌نگرند. یعنی اطلاعات مفیدی را که آنها برای تصمیم‌گیری می‌خواهند به هیچ وجه در صورت‌های مالی نمی‌یابند، اگر چه کمیته و تهیه‌کننده صورت‌های مالی می‌پندارند که اطلاعات مفید عرضه شده است. به بیان دیگر این استفاده‌کنندگان درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی (نوع A) را که در صورت‌های مالی ارائه می‌شود مفید نمی‌یابند.

احتمالاً برخی دیگر از استفاده‌کنندگان به هیچ منبع اطلاعاتی غیر از صورت‌های مالی دسترسی ندارند و برای این استفاده‌کنندگان پرده دوم رخ می‌نماید. یعنی آنان همه اطلاعات مفید برای تصمیمات خود را در صورت‌های مالی می‌یابند و هر آنچه را که بنا به تجویز کمیته ایرانی درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی ارائه شود مفید می‌پندارند، اگر چه تعداد این گروه استفاده‌کننده هم ممکن است قلیل باشد. همین‌طور، برخی با پرده سوم و برخی دیگر با پرده چهارم روبه‌رو خواهند شد. اما به احتمال زیاد، اغلب استفاده‌کنندگان با پرده آخر روبه‌رویند. یعنی فقط بخشی از اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری خود را در صورت‌های مالی مجموعه A می‌یابند و بخش دیگر را نمی‌یابند، یا برعکس، بخشی از اطلاعات ارائه شده را مفید می‌یابند و بخش دیگر را مفید نمی‌پندارند.

بنابراین اگر در دنیای واقعی رابطه بین دو مجموعه A و B چنان باشد که در پرده آخر ملاحظه می‌کنید، آنگاه با قبول گزاره هدف تدوین شده توسط متخصصان کمیته ایرانی، بخشی از اطلاعات مفید که با نماد B-A نشان داده می‌شود از دست خواهد رفت و این پیامد برای استفاده‌کننده ناخوشایند است زیرا او را از اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری محروم کرده‌ایم. در نتیجه تصمیمات اغلب استفاده‌کنندگان براساس اطلاعات مفیدی اتخاذ می‌شود که ناقص است.

۱- تابلوی یک در "معمای پنج پرده" ارائه شده است.

۲- پیشین

تسلیت

آقای عبدالرضا تالانه

مصیب وارده را تسلیت عرض نموده.

بقای عمر شما و بازماندگان را

آرزو مندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران

دولت الکترونیک گُره

تصور دولت الکترونیک، ایجاد چارچوبی برای فن آوری اطلاعات است که عاملی بسیار مهم در گذاری موفقیت آمیز به دولتی سالم، شفاف و کارا است

نوشته: هوان جنگ
ترجمه: دکتر موسی بزرگ اصل

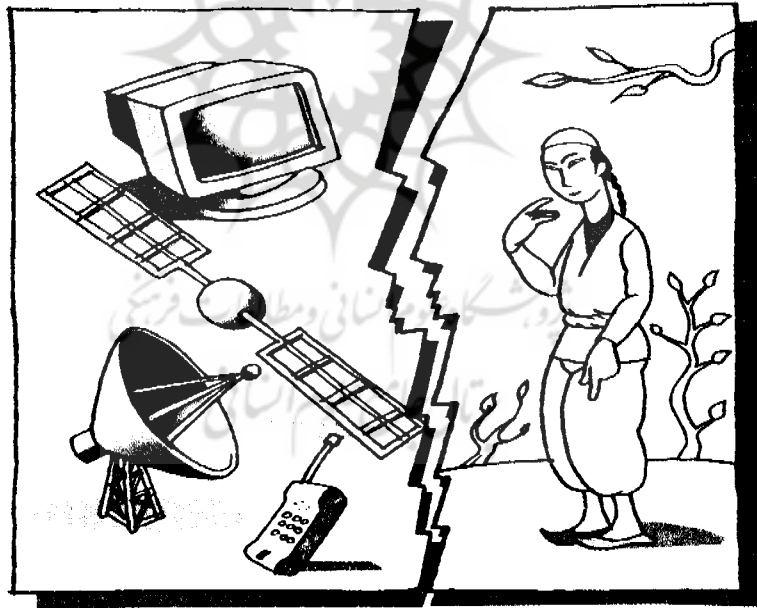
دستیابی به مزیت‌های رقابتی در عصر اطلاعات است.

یکی از ابتکارات نوین در زمینه دولت الکترونیک، طرح دولت برای شهروندان^۱ است که با علامت اختصاری G4C معرفی می‌شود. هدف این طرح استفاده از کاربردهای اینترنت در اغلب روابط و تعامل‌های میان دولت و شهروندان است. این کاربردها شامل

ثبت تابعیت، ثبت مالکیت زمین و وسایل نقلیه، فعالیت‌های تجاری و خدمات مالیاتی است.

رشد اینترنت و دولت الکترونیک

کشور کره از نظر استفاده از اینترنت در میان کشورهای طراز اول است. در پایان ۲۰۰۲ حدود ۲۵ میلیون نفر تقریباً ۵۲ درصد مردم کره از اینترنت استفاده می‌کردند. بیش از یک خانوادها مشترک خدمات اینترنتی با سرعت بالا هستند. وجود کافی نت‌های یکی



مقدمه

دولت گُره در ۱۵ سال گذشته، گام‌های جسورانه‌ای را در کاربرد و تولید فناوری اطلاعات برداشته است. ریشه‌ی تلاش‌های کره به طرح‌های رایانه‌ای ملی در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ برمی‌گردد. محور اساسی آن طرح‌ها بسط کاربرد رایانه توسط دولت بود؛ یعنی به خدمت گرفتن شبکه‌های با سرعت بالا،

ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی نظیر پایگاه‌های اطلاعاتی خانه‌های مسکونی، زمین، وسایل نقلیه و مواردی از این دست. هدف آن‌ها ایجاد دولتی کوچک‌تر و کاراتر، بهبود کیفی زندگی روزمره‌ی شهروندان، و ساخت زیربناهای لازم برای توسعه‌ی صنایع فناوری اطلاعات بود.

گرایش ملی به کاربردهای فناوری اطلاعات در کره، جلوه‌ی اعتقاد دولت و ملت است؛ مبنی بر این که فناوری‌های اصلی برای دولت الکترونیک، نیرویی قدرتمند برای اداره کارای عملیات و

از دلایل رشد اینترنت در کره است. افزون بر این دو صفت فرهنگی در کره که غالباً منفی تلقی می‌شود در رشد استفاده از اینترنت موثر بوده است. یکی از این صفات بی‌تابی است و دیگری علاقه به قمار. کره‌ای‌ها دوست دارند که هر چیزی را بی‌درنگ و با سرعت انجام دهند و دوست دارند که گونه‌های مختلف قمار را بیازمایند. این خصوصیات برای جامعه‌ی در حال تغییر سریع در عصر اطلاعات مناسب است.

زمانی که مردم از قدرت اینترنت آگاه می‌شوند و خدمات خوب را در بخش خصوصی تجربه می‌کنند دیگر نمی‌توانند خدمات ضعیف را در بخش دولتی تحمل کنند. اگر مردم بتوانند بلیط هواپیما را از طریق اینترنت تهیه کنند آن‌گاه می‌خواهند گواهی تابعیت (شناسنامه‌ی ملی) را به همین شیوه دریافت کنند.

تصور دولت الکترونیک

تصور دولت الکترونیک، ایجاد چارچوبی برای فناوری اطلاعات است که عاملی بسیار مهم در گذر موفقیت‌آمیز به دولتی سالم، شفاف و کاراست. برای این که تصور دولت الکترونیک در عمل پیاده شود باید زمینه‌های آن آماده شود. پیش از هر چیز، در کره محیط مناسبی همانند ساختار اینترنت در سطح جامعه ایجاد شده است. این ساختار به طرح‌های دولتی اجازه می‌دهد که به نتایج پرثمری برسند. علاوه بر این ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی برای بخش‌های مختلف مانند خانه‌های مسکونی، وسایل نقلیه، زمین و مواردی از این قبیل، فرصت‌هایی را برای سازمان‌های دولتی فراهم کرده است تا از منابع اطلاعاتی یک دیگر استفاده کنند و کارایی عملیات دولت را بالا ببرند.

در دولت الکترونیک شهروندان می‌توانند به پایگاه‌های اطلاعاتی دستگاه‌های دولتی وارد شوند و مدارک خود را به صورت الکترونیکی مبادله کنند. این ارتباط بین دستگاه‌های دولتی نیز برقرار می‌باشد. رایانه‌های شخصی به شبکه‌ی بسیار سریعی متصل می‌شوند که از دولت مرکزی تا پایین‌ترین سطح اداره‌های دولتی را پوشش می‌دهد.

شهروندان و شرکت‌ها از طریق یک پنجره‌ی یک پارچه (پرتال دولت) به دولت دسترسی می‌یابند. در این پنجره خدمات دولتی و منابع اطلاعاتی مختلف معرفی می‌شود. این پنجره طوری طراحی شده است که مردم می‌توانند بسیاری از خدمات دولتی را به‌طور الکترونیکی دریافت کنند. برای مثال، می‌توانند اسناد تاییدی (گواهی) را از طریق اینترنت دریافت کنند. در بعضی موارد، دیگر نیاز به ارائه‌ی مدارک نیست چرا که خود دستگاه‌های دولتی می‌توانند اطلاعات لازم را به صورت برخط از سامانه‌ی مشارکتی اطلاعات دریافت کنند.

شهروندان می‌توانند درخواستشان را در مورد مجوزها و حق

اختراع از طریق سامانه‌های برخط ارسال کنند و اظهارنامه‌های مالیاتی را نیز به صورت الکترونیکی تکمیل کنند.

در سامانه‌های جدید دولت الکترونیک کره توجه بیشتری به پرتال‌های رویداد - عمر معطوف می‌شود که تاکید اصلی آن بر رویدادهای خاص چرخه‌ی عمر مانند تولد، ازدواج، بازنشستگی، خانه‌سازی، شروع کسب و کار و مواردی از این قبیل است.

در سامانه‌ی مشارکت اطلاعاتی، پایگاه‌های اطلاعات دولتی با هم رابطه و تعامل دارند. اطلاعات و خدمات را می‌توان گردآوری کرد و براساس رویدادهای چرخه‌ی عمر به مردم ارائه کرد. پرتال یک پارچه، ابزار کلیدی برای ارائه اطلاعات و خدمات مطلوب‌تر و بیش‌تر به مشتریان است.

در پرتال رویداد - عمر مردم به فرم‌ها، درخواست‌ها، قوانین و مقررات، برنامه‌های دولت و افراد مسئول، دسترسی مستقیم دارند. هدف آن غلبه بر پیچیدگی فرایند ارائه‌ی خدمات دولتی و گذر سایت‌های دولتی از کارکرد ساده و ارائه‌ی اطلاعات به کارکرد جامع‌تر ارائه‌ی خدمات و اطلاعات یک پارچه است.

تصویر کلی طرح دولت برای شهروندان (G4C)

هدف این طرح ایجاد یک گذرگاه الکترونیکی برای ارائه‌ی خدمات دولتی به مردم و ایجاد سامانه‌ی مشارکتی اطلاعات بین دستگاه‌های دولتی است. این طرح را وزارت مسکن و اداره دولت با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط مانند وزارت اطلاعات و ارتباطات، وزارت برنامه‌ریزی و بودجه، وزارت حمل‌ونقل، خدمات مالیاتی و دیوان عالی به انجام رسانده‌اند. این طرح در نوامبر ۲۰۰۱ به دنبال مهندسی مجدد فرایندهای اداری در اغلب حوزه‌های تعاملی بین دولت و شهروندان آغاز شد.

پس از تکمیل طرح در اکتبر ۲۰۰۲ بعضی از خدمات دولتی و اطلاعات با سامانه‌ای کاملاً راحت به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند ارائه می‌شود.

در گذشته مردم از شیوه‌ی ارائه‌ی خدمات و اطلاعات دولتی ناراضی بودند زیرا روش‌های پیچیده وقت مردم را تلف می‌کرد. در گذشته مردم برای برخورداری از خدمات باید گواهی‌های مختلف را با مراجعه به اداره‌های دولتی گوناگون تهیه و ارائه می‌کردند.

اندازه و پیچیدگی دولت یکی از موانع اصلی هر شخص برای دستیابی به خدمات و اطلاعات دولتی است. یکی از برهان‌های قوی برای دولت الکترونیک ارائه‌ی خدمات یکپارچه است که آرایش آن مبتنی بر موضوع یا رویداد - عمر است نه دیدگاه‌های دیوان سالارانه.

از سوی دیگر در گذشته یک پرتال یک پارچه برای دسترسی مردم به اطلاعات جامع درباره‌ی روش‌ها و معیارهای درخواست خدمات وجود نداشت.

ایده‌ی اصلی طرح G4C این است که ادارات دولتی مختلف بتوانند از اطلاعات مورد نیاز درباره‌ی تعیین صلاحیت شهروندان استفاده کنند. در نتیجه تعداد مدارک لازم و مراجعه به ادارات دولتی کاهش می‌یابد. [هر چه مراجعه به اداره دولتی بیشتر باشد احتمال وقوع مفاسد اقتصادی افزایش می‌یابد].

هدف دیگر طرح G4C استفاده از سامانه‌ی برخط بهبود روش‌ها (یا سامانه‌ی OPEN) برای درخواست‌های شهروندان است. این سامانه نقش بسیار با اهمیتی در ابتکارات دولت الکترونیک دارد. زیرا شفافیت روش‌ها را افزایش می‌دهد و موجب کاهش فساد و تخلفات می‌شود. سامانه‌ی OPEN که ابتدا توسط شهرداری پایتخت کره ایجاد شد تمام فرایندهای امور عمومی را از زمان پذیرش تا اتمام کارها گام به گام در اینترنت در اختیار مردم می‌گذارد.

تاریخ و زمان پردازش هر درخواست مشخص می‌شود. در نتیجه کارکنان دولت نمی‌توانند کارها را به تاخیر اندازند یا دخالت نابه‌جا کنند یا این که تصمیمات نادرست بگیرند. این سامانه از طریق اینترنت در دسترس همگان است و متقاضیان نیازی به برقراری ارتباط با کارکنان دولت ندارد و در نتیجه پیشنهاد رشوه به آنها ناممکن می‌شود.

کارکرد این سامانه به گونه‌ای که تشریح شد احتمال فساد و تخلف را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهد.

وظایف اصلی طرح دولت برای شهروندان G4C وظایف این طرح به چهار گروه تقسیم می‌شود: نخستین وظیفه ایجاد پایگاه (سایت) پرتال دولت برای تشخیص خدماتی است که در هر زمان و در هر مکان قابل ارائه است. پایگاه پرتال نقشه‌ای دارد که اطلاعات مربوط به دایره‌ی مسئول، زمان لازم برای تکمیل کار، هزینه، مدارک موردنیاز و قوانین و مقررات مربوط را برای حدود ۴۰۰۰ خدمات دولتی ارائه می‌کند.

آرایش این خدمات براساس چرخه عمر یا ترتیب رویدادها به گونه‌ای راحت است. این نقشه برای مراجعه‌کنندگان به پایگاه بسیار مهم است. به علاوه، این پرتال خدمات مربوط به درخواست (یا تقاضانامه) را همراه با اطلاعات مربوط به پیشرفت کار برای هر درخواست (سامانه‌ی OPEN) نشان می‌دهد. در حدود ۴۰۰ خدمت عمومی در ۵ حوزه شامل تابعیت و مالیات به صورت برخط پردازش می‌شود.

وظیفه‌ی دوم این طرح ایجاد چارچوبی برای مشارکت اطلاعاتی است. برای انجام این وظیفه یک سامانه‌ی یک‌پارچه برای گروه‌های اطلاعاتی در پنج بخش ایجاد می‌شود. برقراری سامانه‌ی مشارکت اطلاعاتی شامل ایجاد سازوکار انتقال و دریافت و محیط سامانه برای حفاظت اطلاعات خصوصی و

در نتیجه گرفتاری‌ها روندی رو به رشد داشت. هم‌چنین، نبود زیربنا برای مشارکت اطلاعاتی بین سازمان‌های دولتی و قوانین و مقررات مربوط، منجر به هدر رفتن منابع و کارایی پایین می‌شد. دولت مرکزی بیش از ۵۰ وزارتخانه و سازمان دارد که هرکدام دارای نشانی اینترنتی خاص خود هستند. به‌خاطر سپردن یا حتی حدس زدن این نشانی‌ها ناممکن است. حتی اگر کسی بتواند نشانی درست را وارد کند، مشکل دیگر این است که چه شخصی در چه دایره‌ای و در چه سطحی مسئول برنامه‌ی مورد نظر است. برای ارائه‌ی یک خدمت، تعدادی از سازمان‌های دولتی دخیل هستند و هرکدام از آن‌ها فرم‌های مختلفی دارند که باید تکمیل شود.

طرح G4C برای حل چنین مشکلاتی در ارائه خدمات دولتی به شهروندان آغاز شد. علاوه بر این، شهروندان با برقراری ارتباط آسان با دولت و دسترسی به اطلاعات عمومی، مدارک رسمی و فرایندهای اداری، آگاه‌تر می‌شوند و رغبت بیشتری برای مشارکت در فرایندهای دولت پیدا می‌کنند. این امر منجر به جوامع رقم‌واره (دیجیتال) و تقویت مدل‌های مشارکتی اداری امور می‌شود و سرانجام شهروندان می‌توانند در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت بیشتر داشته باشند.

اهداف طرح دولت برای شهروندان (G4C) خدمات دولتی به یک اداره یا دفتر خاص محدود نمی‌شود بلکه سازمان‌ها و ادارات متفاوتی در انجام این امور دخالت دارند. طرح G4C برای غلبه بر این پیچیدگی‌ها طراحی شده است. در این سامانه با ظاهر شدن دولت به صورت سامانه‌ای کاملاً یک‌پارچه این پیچیدگی برطرف می‌شود. [باید توجه داشت مفاسد اقتصادی با پیچیدگی فرایندهای اداری رابطه‌ی مثبت دارد]. بنابراین شهروندان ساختارهای هزاتوی دولتی را نخواهند دید. آنها فقط خدماتی را می‌بینند که ارائه می‌شود. بنابراین شهروندان به کمک پرتال رویداد - عمر که G4C ارائه می‌کند می‌توانند به آسانی و با کم‌ترین مراجعه به ادارات دولتی و ارائه‌ی کم‌ترین گواهی‌ها، از خدمات عمومی و اطلاعات مورد نیاز بهره‌مند شوند.

یکی از اهداف اصلی طرح G4C ایجاد یک مدل اساسی و سامانه‌ی عملیاتی برای مشارکت اطلاعاتی است که برای فرایندهای اداری به‌گرات مورد نیاز است.

اغلب خدمات دولتی مستلزم ارائه گواهی‌های مختلف توسط شهروندان مانند گواهی تابعیت، مالکیت زمین و وسیله نقلیه و مواردی از این قبیل است. ادارات دولتی باید مشخص کنند که آیا فرد متقاضی واجد صلاحیت برای دریافت خدمات است یا خیر. مدارک مورد نیاز برای هر یک از خدمات متفاوت است. شهروندان باید برای اخذ مدارک لازم به ادارات دولتی مراجعه کنند و این مدارک را به ادارات دولتی دیگر ارائه کنند.

الکترونیکی خدمات برای تامین آسایش شهروندان را امکان پذیر می‌سازد.

زیرساخت‌های فیزیکی و نهادی گره برای ابتکارات و فعالیت‌های دولت الکترونیک به خصوص طرح G4C (ارائه خدمات و اطلاعات از طریق پایگاه پرتال اینترنت) آماده است. انتخاب بهترین راهبردها و سیاست‌ها در برابر مسائل مربوط به طرح G4C برای تحقق آرمان‌های آن در زندگی روزمره بسیار مهم است. اگر چه خدمات G4C هم‌اکنون در دسترس است اما پذیرش این خدمات توسط شهروندان و تجار یک موضوع مهم است. شهروندان زمانی از این خدمات استفاده می‌کنند که منافع واقعی‌اش ملموس باشد.

ظرفیت‌های بالقوه برای بهبود این سامانه جهت ارائه خدمات عمومی باید بارور شود. برای مثال تعداد کمی از خدمات G4C به‌طور کامل از طریق سامانه‌ی برخط قابل دست‌یابی است. برای نمونه در زمینه‌ی صدور گواهی‌ها، درخواست آن به‌طور الکترونیکی از طریق اینترنت پردازش می‌شود اما خود گواهی از طریق پست ارسال می‌شود (یا از طریق نزدیک‌ترین دفتر محلی دریافت می‌شود).

تشویق شهروندان برای دست‌یابی به خدمات از طریق اینترنت مستلزم تدوین راهبردهای مناسب برای تکمیل خدمات برخط است. تلاش‌ها باید بر شناسایی و تکمیل خدمات برخطی متمرکز شود که از دید شهروندان ثمربخش است.

بعضی مردم به دو دلیل با دیده‌ی شک به خدمات G4C می‌نگرند. اینان یا با این خدمات ناآشنا هستند یا این که نگران نحوه‌ی استفاده‌ی دستگاه‌های دولتی از اطلاعات موجود در این سامانه می‌باشند. برای چیرگی بر این نگرانی‌ها و اطمینان از این که مردم از منافع دست‌یابی به خدمات از طریق اینترنت مطلعند باید به مردم اطلاع‌رسانی شود تا بدانند چه چیزی در دسترس است و انتظارات آن‌ها به واقعیات نزدیک‌تر شود.

دولت و شهروندان الزاماً به سمت سیاست‌ها و ابتکاراتی خواهند رفت که به اینترنت و دولت الکترونیکی فرصت رشد و شکوفایی می‌دهد و منافع اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری را نصیب مردم می‌کند.

پی‌نوشت

1- Government for Citizen

منبع

این مقاله در سومین گردهمایی جهانی مبارزه با فساد و حفظ درستکاری ۲۹ تا ۳۱ می ۲۰۰۳ ستول ارائه گردید.

حساس است. وظیفه‌ی سوم این طرح ایجاد زیربنایی مانند تأیید الکترونیکی و پرداخت الکترونیکی است. این وظیفه شامل زیربنای عمومی برای جلوگیری از جعل و دستکاری اسناد، ایجاد تعریف نوع داده‌ها برای اسناد الکترونیکی و ایجاد امنیت برای پایگاه‌های اطلاعاتی است.

وظیفه‌ی چهارم اصلاح قوانین و مقررات برای فراهم کردن شرایط لازم جهت ارائه‌ی خدمات و اطلاعات به صورت برخط است.

کمیته‌ی هماهنگی

شاید بزرگ‌ترین چالش دولت الکترونیک دست‌یابی به هماهنگی وزارت‌خانه‌های مختلف در نوسازی فرایندها و سامانه‌ی مشارکت اطلاعاتی است. وزارتخانه‌های مختلف از نظر سطح و نوع خطر و انگیزه متفاوتند و هر طرحی احتمالاً نیازهای تمام وزارت‌خانه‌ها را به یک شکل برطرف نمی‌کند.

در فرایند باز مهندسی فرایندکار و تصمیم‌گیری برای ایجاد سامانه‌ی G4C اشخاص ذی‌نفع متفاوتی سهم می‌باشند. این اشخاص می‌توانند در فرایندکار اثرگذار باشند.

رئیس جمهور گره با تشخیص اهمیت هماهنگی برای هدایت فعالیت‌های دولت الکترونیک دستور داد که سازمانی برای هماهنگی برنامه‌های دولت الکترونیک تشکیل شود. کمیته‌ی ویژه‌ی دولت الکترونیک در اوایل ۲۰۰۱ در دفتر رئیس جمهور تشکیل شد.

اصول زیر حاکم بر کارهای کمیته است:

- انتخاب ابتکارات و فعالیت‌ها براساس میزان کمک به منافع ملی
- یک‌پارچه‌سازی ابتکارات و فعالیت‌های دستگاه‌های مختلف در قالب یک برنامه‌ی واحد
- پیشینه‌سازی مشارکت اطلاعاتی و حذف دوباره‌کاری
- به‌کارگیری فناوری اطلاعات براساس طراحی جدید فرایندهای کار

نتیجه‌گیری

فناوری اینترنت محیط و تجربه‌ی پیوسته‌ای را بنا نهاده است که پیش‌بینی ۳ یا ۴ سال آینده را از قبل ناممکن می‌سازد. زیربنای اینترنت در گره و استفاده‌ی روزافزون آن زمینه‌های ارائه الکترونیکی اطلاعات و خدمات دولتی را فراهم کرده است. کشور گره هم‌اکنون در موقعیتی است که می‌تواند به‌کارگیری اینترنت را در فرایندهای اداری تشویق کند. واکنش شهروندان و تجار به خدمات عمومی برخط همیشه مثبت بوده است.

پایگاه پرتال دولت و مشارکت اطلاعاتی در درون و بین دستگاه‌های دولتی، مرکز ثقل ابتکارات و فعالیت‌های دولت الکترونیک است. این امر، دسترسی به اطلاعات دولتی و ارائه‌ی

کاربرد برنامه‌ریزی خطی در حسابداری مدیریت

تصمیمات درست به رونق، شکوفایی و رشد یک بنگاه و تصمیمات نادرست به فروپاشی اش خواهد انجامید

حبیب شمس‌ناتری



موجود خود را که شامل مواد اولیه، نیروی انسانی، پول، ماشین‌آلات و... می‌باشد به‌طور کامل شناسایی نمایند و براساس ابزارهای علمی از جمله برنامه‌ریزی خطی اقدام به برنامه‌ریزی کنند، منابع موجود به اقتصادی‌ترین و سودآورترین شکل بهره‌برداری می‌شود. اصلی‌ترین هدف برنامه‌ریزی خطی تعیین یک برنامه‌ی بهینه برای

نوشتار حساسر می‌کوشد به مدیران نشان دهد که با استفاده از روش‌های ریاضی^۱ می‌توان از مسایل مورد نظر مدل ریاضی ساخت، آن‌سان که سیستم اصلی را شبیه‌سازی کند، آن‌گاه با استفاده از روش‌های ریاضی مدل را حل کرده و مطلوب‌ترین جواب را به‌دست آورد.

موسسات اقتصادی برای پیشبرد اهدافشان نیاز

تخصیص منابع موجود می‌باشد. منابع موجود که در اختیار تصمیم‌گیرنده می‌باشد، همگی از نظر کمیت یا کیفیت یا هر دو محدود می‌باشند. اگر منابع نامحدود بود اصولاً نیازی به برنامه‌ریزی نبود. صنعت مناسب‌ترین جایی است که می‌توان از مدل‌های برنامه‌ریزی خطی استفاده نمود زیرا در این حوزه تخصیص منابع به‌وضوح کاربرد می‌یابد.

پژوهش انجام شده در مورد ۲۷۵ شرکت نشان می‌دهد که تقریباً ۵۰٪ آنها از فنون پژوهش عملیاتی استفاده کرده‌اند و ۸۰٪ از نتایج به‌دست آمده بسیار راضی‌اند.^۳ پژوهش دیگری که در

می‌شود، در حالی که اغلب مسایل روزمره با استفاده از ریاضیات بهتر حل می‌شود. در زندگی ماشینی امروز نقش ویژه ریاضیات در افزایش معلومات، تقویت قوه‌ی ابتکار، خلاقیت و محاسبه، به‌خصوص برای مدیران غیرقابل انکار است. فن برنامه‌ریزی خطی^۲ که یکی از روش‌های پژوهش عملیات است می‌تواند در این زمینه به‌طور موثر مورد استفاده قرار گیرد.

مدل‌های برنامه‌ریزی خطی شامل اختصاص مناسب‌ترین ترکیب از منابع محدود برای رسیدن به هدف یا هدف‌های تصمیم می‌باشد. اگر واحدهای اقتصادی بتوانند منابع و ظرفیت‌های

به ابزاری منسجم، پویا و در عین حال قابل اعتماد برای تصمیم‌گیری دارند. امروزه ارزش یک مدیر به‌طور عمده براساس کیفیت تصمیماتش سنجیده می‌شود. تصمیمات درست موجب رونق، شکوفایی و رشد یک موسسه و تصمیمات غلط منجر به فروپاشی آن خواهد شد. می‌توان گفت که مدیریت فرایندی است که در تصمیم‌گیری متبلور می‌شود. تصمیماتی که با استفاده از مدل‌های ریاضی گرفته می‌شود بیش‌تر فرین موفقیت خواهد بود.

بیش‌تر افراد تصور می‌کنند که روش‌های ریاضی فقط برای حل مسایل ریاضی استفاده

خصوص شرکت‌های رسمی انجام شده است نشان می‌دهد که بیش تر از ۲/۳ این شرکت‌ها از به کارگیری فنون پژوهش عملیاتی بسیار راضی‌اند و هیچ یک از این شرکت‌ها رتبه‌ی بد به این فنون اختصاص نداده‌اند.^۴

حسابداری مدیریت و پژوهش عملیاتی

حسابداری مدیریت^۵ به عنوان یک ابزار کنترلی برای برنامه‌ریزی پویای فعالیت‌های آینده و کنترل عملیات گذشته می‌باشد. حسابداری مدیریت که اطلاعات مورد نیاز خود را از حسابداری مالی، حسابداری صنعتی و سایر دوایر اخذ می‌نماید، می‌تواند با کمی کردن آنها، اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار مدیران جهت تصمیم‌گیری مطمئن ارائه نماید. حسابداری مدیریت وظیفه‌ی ارزش آفرینی در موسسات را با استفاده از ابزارهای علمی و ارائه‌ی راه حل‌های خلاقانه در اتخاذ تصمیمات راهبردی، تخصیص منابع و کارایی در انجام عملیات ایفا می‌نماید. در سیر شتاب‌آمیز تکامل حسابداری، شاهد استفاده‌ی بیش تری از دیگر علوم برای تهیه و ارائه‌ی اطلاعات مالی سریع‌تر و زیادتر هستیم. در این زمینه به کارگیری اقتصاد، حقوق، مدیریت، پژوهش عملیات و رایانه را می‌توان نام برد.

برنامه‌ریزی خطی

رقابت در صنعت و تجارت و تلاش برای دستیابی به سود بیش تر سبب شده است که مدیران در چارچوب عامل‌ها و منابع موجود هزینه‌هایی مانند مواد، دستمزد و سربار را تا حداقل ممکن پایین نگهدارند تا به حداکثر سود دست یابند و یا گاهی زبان را به حداقل برسانند. مدل‌های برنامه‌ریزی خطی توانسته است نقش خود را در این خصوص به خوبی ایفا نماید.

هزینه‌یابی با استفاده از برنامه‌ریزی خطی را هزینه‌یابی مستقیم^۶ یا هزینه‌یابی مستقیم^۷ می‌گویند. در هزینه‌یابی متغیر بهای تمام شده‌ی هر واحد محصول شامل مواد مستقیم، دستمزد مستقیم و سربار متغیر می‌باشد. در حالی که در هزینه‌یابی جذبی علاوه بر هزینه‌های فوق، هزینه‌ی سربار ثابت نیز به بهای تمام شده‌ی محصول اضافه می‌گردد. در هزینه‌یابی متغیر

هزینه‌ها با تغییر در حجم فعالیت، تغییر می‌کنند، به عبارت دیگر بین هزینه‌ها و حجم فعالیت یک نوع رابطه‌ی خطی وجود دارد. هزینه‌های ثابت به دلیل عدم ارتباط با سطح تولید و نداشتن رابطه‌ی خطی هیچ‌گونه جایگاهی در نوشته‌های برنامه‌ریزی خطی ندارد. با جداسازی هزینه‌های ثابت از بهای تمام شده‌ی محصول و در نظر گرفتن هزینه‌های متغیر، اطلاعات تهیه شده جهت ارائه به مدیران قابل فهم‌تر می‌باشد.

مجله‌ی اینترفیسز^۸ به‌طور مرتب مقاله‌های مربوط به استفاده از فنون پژوهش عملیاتی را، که شامل مسایل کاربردی نیز می‌شود، چاپ می‌کند. در این نوشتار به دو نمونه‌ی واقعی اشاره می‌گردد. موارد ارائه شده شامل جزئیات مدل واقعی و اجزای آنها نمی‌شود، به جای آن نوع مسئله که شرکت با آن درگیر است و چگونگی حل مسئله به همراه منافعی که از به کارگیری مدل به دست آمده است بیان می‌شود. این دو نمونه شامل شرکت‌های **سیتگو** و **مونساتو** می‌باشد.

کاربرد فنون پژوهش عملیاتی - سیستم برنامه‌ریزی خطی در شرکت سیتگو^۹

شرکت ساتلند در ۱۹۸۳ زمانی که مالک ۷۱۱ فروشگاه زنجیره‌ای بود توانست در شرکت نفت سیتگو که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی در آمریکا است سرمایه‌گذاری کند. سیتگو در سال‌های قبل از مشارکت به خاطر پرداخت‌های مالیاتی ضرر می‌کرد. لذا اولین هدف ساتلند سودآور ساختن سیتگو بود. ساتلند برای دستیابی به این هدف از فنون پژوهش عملیاتی استفاده کرد. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آنها سیستم برنامه‌ریزی خطی بود که در پالایشگاه به کار گرفته شد. استفاده از سیستم برنامه‌ریزی خطی هزینه‌های موجودی‌ها، خط تولید و انرژی را که در ۱۹۸۴ معادل ۴ میلیارد دلار بود کاهش داد. سیستم برنامه‌ریزی خطی مزبور برای انتخاب نفت‌خام، ظرفیت تولیدی، ظرفیت عملیاتی پالایشگاه، مقدار ترکیب اجزا، انتخاب مواد اولیه، میزان موجودی مواد خام و تبدیل آنها به‌طور مرتب به کار گرفته شد. در ۱۹۸۵ سود قبل از کسر مالیات بالغ بر ۷۰ میلیون دلار گردید. مدیریت سیتگو تشکیلات سازمانی

جدیدی را با عنوان پژوهش عملیاتی ایجاد کرد. مسئولیت آن به کارگیری فنون پژوهش عملیاتی به منظور دستیابی به نتایج قابل قبول در شرکت بود. در حال حاضر سیستم برنامه‌ریزی خطی یکی از ابزارهای مقدماتی برنامه‌ریزی عملیات این شرکت محسوب می‌شود و به‌عنوان یک فن کارآمد به کار گرفته می‌شود.

کاربرد فنون پژوهش عملیاتی - سیستم برنامه‌ریزی خطی در شرکت مونساتو^{۱۰}

شرکت شیمیایی مونساتو که دو کارخانه در شهرهای سنت‌لویس و پنساکودا دارد تولیدکننده‌ی اسیدمالئیک (ترکیب شیمیایی که در ساخت پلاستیک به کار می‌رود) است. ظرفیت این دو کارخانه بیش از ۴۵٪ کل تقاضای ۳۵۹ میلیون پائندی آمریکا را پوشش می‌دهد. از آنجا که ظرفیت کارخانه‌ها بالا است، لذا تخصیص تولید با استفاده از برنامه‌ریزی خطی به هر یک از این دو کارخانه می‌توانست انجام شود. سه مدل برنامه‌ریزی خطی برای حل مساله، صورت‌بندی شد که شامل یک مدل کلی برای هر کارخانه و دو مدل دیگر برای تعیین عملیات مربوط به هر کارخانه در دوره‌ی برنامه‌ریزی بود. مدل‌ها بیش از هزار متغیر و دوازده محدودیت داشتند که هدفشان حداقل ساختن هزینه بود. در ضمن می‌بایستی اهداف تولیدی نیز برآورده می‌شد. ارائه‌ی نتایج مدل‌ها و پیاده کردن آنها موجب صرفه‌جویی بین ۱ تا ۳ میلیون دلار در سال گردید که مبلغ آن بستگی به مقررات اجرایی در کارخانه‌ها داشت.

هزینه‌ی فسرصت از دست رفته و برنامه‌ریزی خطی

یکی از کارکردهای حسابداری مدیریت به‌عنوان سیستم اطلاعاتی، فراهم آوردن اطلاعات هزینه‌ها برای تصمیم‌گیری مدیران است. اما تصمیم‌گیری‌های مختلف نیاز به اطلاعات متفاوت دارد. هزینه‌ی فرصت از دست رفته^{۱۱} یکی از اطلاعات مهم و موثر در تصمیم‌گیری‌های مدیران از جمله انتخاب ترکیب محصولات، قیمت‌گذاری محصولات، قبول یا رد سفارش خاص، و تولید یا خرید می‌باشد. هزینه‌ی فرصت از دست رفته بایستی برحسب

فرصت از دست رفته باید در ارزیابی راه حل‌های گوناگون به منظور تعیین سودآورترین و اقتصادی‌ترین شکل استفاده از منابع در نظر گرفته شود.^{۱۵}

پی‌نوشت

1- Mathematical procedures

2- Linear programming

۳- پژوهش عملیاتی، مولف بری‌رندر، مترجم علی حاتمی فیروزآبادی، صفحه ۱، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، اسفندماه ۱۳۷۷.

۴- همان منبع، همان صفحه

5- Managerial Accounting

6- Variable costing

7- Direct costing

8- Inter faces

۹- همان منبع صفحه ۸۰

۱۰- همان منبع صفحه ۳۷

11- Opportunity cost

12- Contribution margin

13- Productivity

14- Optimum production

۱۵- فصلنامه حسابرس، عزیز عالی‌ور، صفحه ۷۰، سازمان حسابرسی، آبان‌ماه ۱۳۷۸.

منابع و ماخذ

۱- حسابداری مدیریت، دکتر رضا شباهنگ، انتشارات سازمان حسابرسی، بهمن‌ماه ۱۳۷۸.

۲- مجموعه مقالات سمینار انجمن حسابداران خیره ایران، ابوالقاسم فخاریان، آذرماه ۱۳۷۸.

۳- فصلنامه حسابرس شماره ۳، سازمان حسابرسی، آبان‌ماه ۱۳۷۸.

۴- پژوهش عملیاتی مولف بری‌رندر، مترجم علی حاتمی فیروزآبادی، انتشارات شرکت چاپ و نشر بازرگانی، اسفندماه ۱۳۷۷.

۵- برنامه‌ریزی خطی، دکتر محمد جواد اصغرپور، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۶- پژوهش عملیاتی، برنامه‌ریزی خطی و کاربردهای آن، محمدرضا مهرگان، انتشارات سالکان، ۱۳۷۵.

۷- تحقیق در عملیات، زهرا برومند و بهروز لاری سمنانی، انتشارات هور، ۱۳۷۷.

۸- برنامه‌ریزی خطی کاربردی، میرهاد قلی آریانزاد، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۶۶.

9- Managerial accounting, Ronald W.Hilton, 1997.

10- Introduction to management accounting, Horengren sundem, strattton, 1996.

11- Operation research an introduction, Hamdy, A.Taha, 1992.

منابع طراحی مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳- کارت اجزای تشکیل‌دهنده هر واحد محصول - در این کارت میزان مواد اولیه‌ی مصرفی، ساعات کار پرسنل و ساعات کار ماشین برای هر واحد محصول مشخص می‌گردد. در واژگان برنامه‌ریزی خطی اعداد موجود در این کارت ضرایب فنی نام دارد. این ضرایب میزان منابع، ظرفیت یا امکانات لازم برای هر فعالیت را تعیین می‌کند.

۴- طراحی مدل - با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده از بندهای ۱ و ۲ و ۳ فوق مدل طراحی می‌گردد. هدف از طراحی مدل این است که با استفاده از منابع موجود چه ترکیبی از محصولات برای تولید انتخاب گردد تا بیش‌ترین سود کسب شود. در واقع مسئله، انتخاب ترکیب محصولات برای تولید می‌باشد. این مسئله، هم از طریق نمودار ترسیمی و هم از روش سیمپلکس قابل حل می‌باشد. اگر تعداد متغیرهای تصمیم و محدودیت‌های مدل زیاد باشد از طریق نرم‌افزارهای رایانه‌ای پژوهش عملیات از قبیل DEA, ABQM, QSB و سایر نرم‌افزارهای مرتبط به‌راحتی قابل حل می‌باشد.

۵- تعیین نقطه‌ی بهینه - پس از حل مساله مقدار بهینه‌ی تولید^{۱۴} به دست می‌آید: مقدار بهینه‌ی تولید می‌تواند با مقدار واقعی تولید مقایسه شود. اگر مبلغ حاشیه‌ی فروش هر واحد محصول را در مقدار بهینه ضرب نماییم مبلغ حاشیه‌ی فروش براساس تولید بهینه به‌دست می‌آید و اگر مبلغ حاشیه‌ی فروش هر واحد را در مقدار واقعی تولید ضرب کنیم مبلغ حاشیه‌ی فروش براساس تولید واقعی به‌دست می‌آید. هزینه‌ی فرصت از دست رفته عبارت است از مابه‌الثفات مبلغ حاشیه‌ی فروش تولید بهینه و حاشیه‌ی فروش تولید واقعی.

هرچند انعکاس هزینه‌ی فرصت از دست رفته در سوابق و مدارک حسابداری برای مقاصد گزارشگری برون سازمانی، یعنی تهیه‌ی صورت‌های مالی مجاز نیست اما واقعیت این است که این هزینه‌ها جزء هزینه‌های فوق‌العاده مهم، مربوط و موثر در تصمیم‌گیری‌های مدیران در وضعیت‌هایی است که راه حل‌های گوناگونی وجود دارد. در چنین وضعیت‌هایی هزینه‌ی

پسول اندازه‌گیری و در محاسبات مقایسه‌ای تصمیمات لحاظ شود. اگر واحدهای اقتصادی بتوانند منابع موجود خود را به‌طور کامل شناسایی کنند و براساس آن اقدام به برنامه‌ریزی نمایند، هزینه‌ی فرصت از دست رفته به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد که در نتیجه سود افزایش خواهد یافت.

جمع‌آوری اطلاعات به‌منظور ساختن مدل برنامه‌ریزی خطی، حل مدل (تعیین نقطه‌ی بهینه) و محاسبه‌ی هزینه‌ی از دست رفته شامل مواردی است که از پی می‌آید.

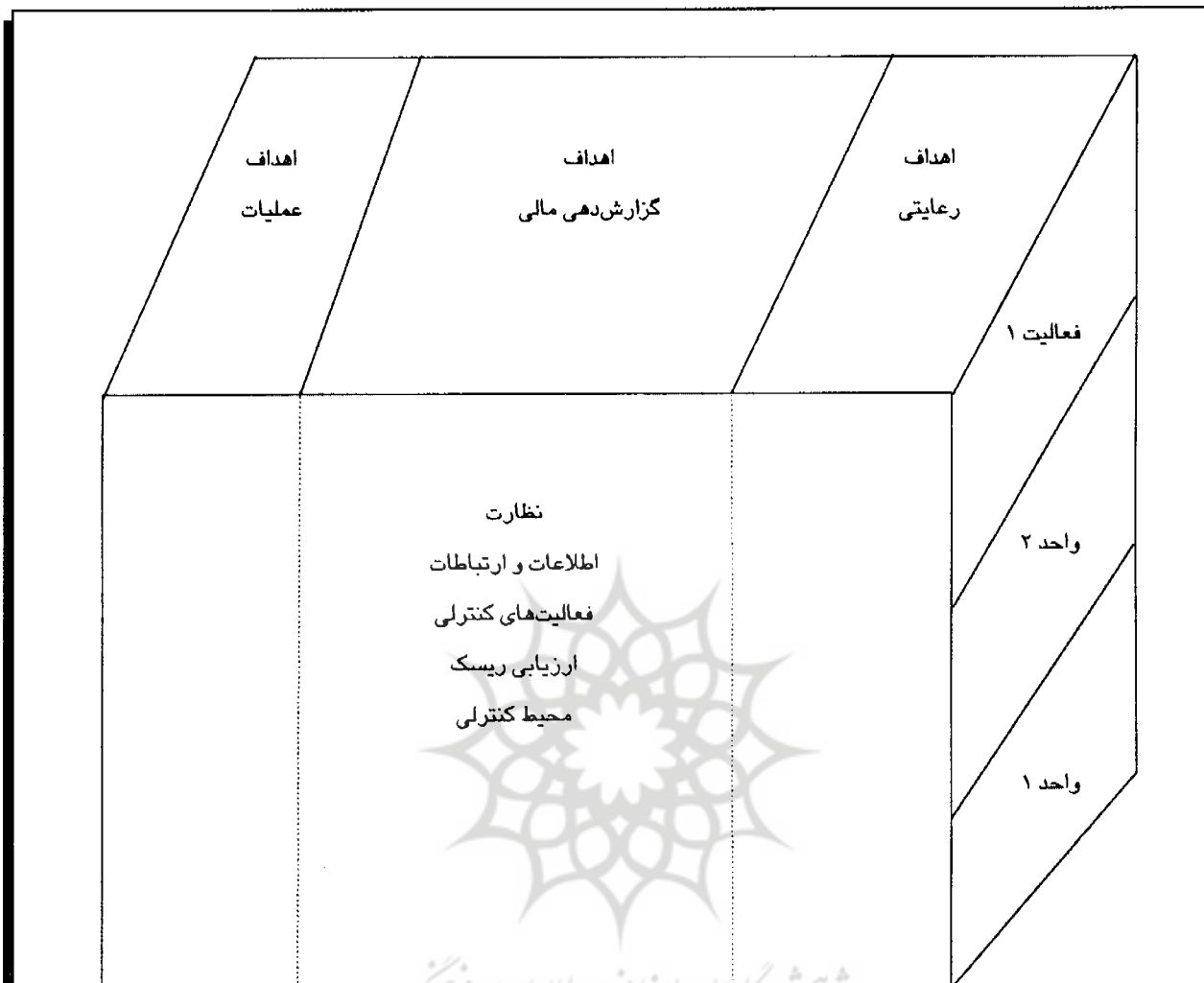
۱- حاشیه‌ی فروش^{۱۲} (سود) هر واحد محصول - حاشیه‌ی فروش از تفاوت بهای فروش با هزینه‌های متغیر هر واحد محصول به‌دست می‌آید. حاشیه‌ی فروش در واژگان برنامه‌ریزی خطی، بهره‌وری^{۱۳} نام دارد. همان‌طوری که بیان گردید هزینه‌های ثابت به دلیل نداشتن رابطه‌ی خطی هیچ‌گونه نقشی در محاسبات بهای تمام شده محصول ندارد. حاشیه‌ی فروش یکی از شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد آیا مدیریت از منابع موجود بهترین استفاده را به‌عمل آورده است یا خیر. هنگامی که حاشیه‌ی فروش کل به حداکثر برسد می‌توان گفت که هدف مدیریت در ارتباط با سودآوری حدوداً برآورده شده است.

در ساخت مدل اگر هدف حداکثر کردن سود باشد، حاشیه‌ی فروش هر واحد محصول به‌عنوان ضرایب تابع هدف منظور می‌گردد. اما اگر هدف حداقل کردن بهای تمام شده‌ی محصول باشد آنگاه هزینه‌های متغیر هر واحد محصول به‌عنوان ضرایب تابع هدف درج می‌گردد.

۲- شناسایی امکانات، ظرفیت و منابع موجود - منابع موجود شامل مواد اولیه ساعات کار پرسنل، ظرفیت تولید، ساعات کار ماشین‌آلات و سایر موارد است. در واقع یک بنگاه اقتصادی با داشتن این امکانات می‌تواند فعالیت کند. در واژگان برنامه‌ریزی خطی منابع موجود همان "محدودیت‌ها" یا "نامعادلات" است. در محدودیت‌ها علاوه بر منابع موجود و در دسترس به میزان تقاضای بازار، وجود رقبا و سایر موارد نیز توجه می‌شود و به عنوان یکی از

جایگاه سیستم کنترل داخلی در راهبری نظام بانکی

نمودار ارتباط اهداف و اجزای کنترل داخلی



و رعایتی وجود داده‌های مالی و غیرمالی به عنوان بخشی از اطلاعات و ارتباطات جهت تهیه صورت‌های مالی قابل اعتماد و رعایت قوانین و مقررات لازم است. به علاوه اجزای کنترل داخلی با یکدیگر مرتبط هستند و هر جزء می‌تواند سایر اجزا را متاثر سازد. این پیوند را می‌توان در مدل پویایی که سیستم کنترل داخلی را توصیف می‌کند نشان داد. برای مثال ارزیابی ریسک ضمن تاثیر بر فعالیت‌های کنترلی، ضرورت تجدید نظر در نیازهای اطلاعاتی و ارتباطی یا فعالیت‌های نظارتی واحد اقتصادی را آشکار می‌سازد. هم چنین ایجاد و اجرای

(محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات و نظارت) که برای دستیابی اهداف لازم است، رابطه‌ی مستقیم و بلافصل برقرار است. به عبارتی کلیه اجزای کنترل داخلی با هر یک از گروه‌های اهداف (عملیاتی، گزارش‌دهی مالی و رعایتی) ارتباط دارند. برای مثال برای دستیابی به هدف کارآیی و اثربخشی عملیات هر پنج جزء کنترل داخلی باید حضور داشته باشند و اثربخش عمل کنند تا بتوان نتیجه گرفت که کنترل داخلی حاکم بر عملیات اثربخش است یا برای دستیابی به اهداف گزارش‌دهی مالی

خاص خود راساً اثربخشی کنترل‌های حاکم بر فعالیت‌هایشان را تعیین کنند. ضمناً ارزیابی سیستم کنترل داخلی باید براساس طرحی منسجم انجام شده و گزارش‌دهی مناسبی از نارسایی‌ها به هیات مدیره، یا کمیته‌ی حسابرسی صورت گیرد.

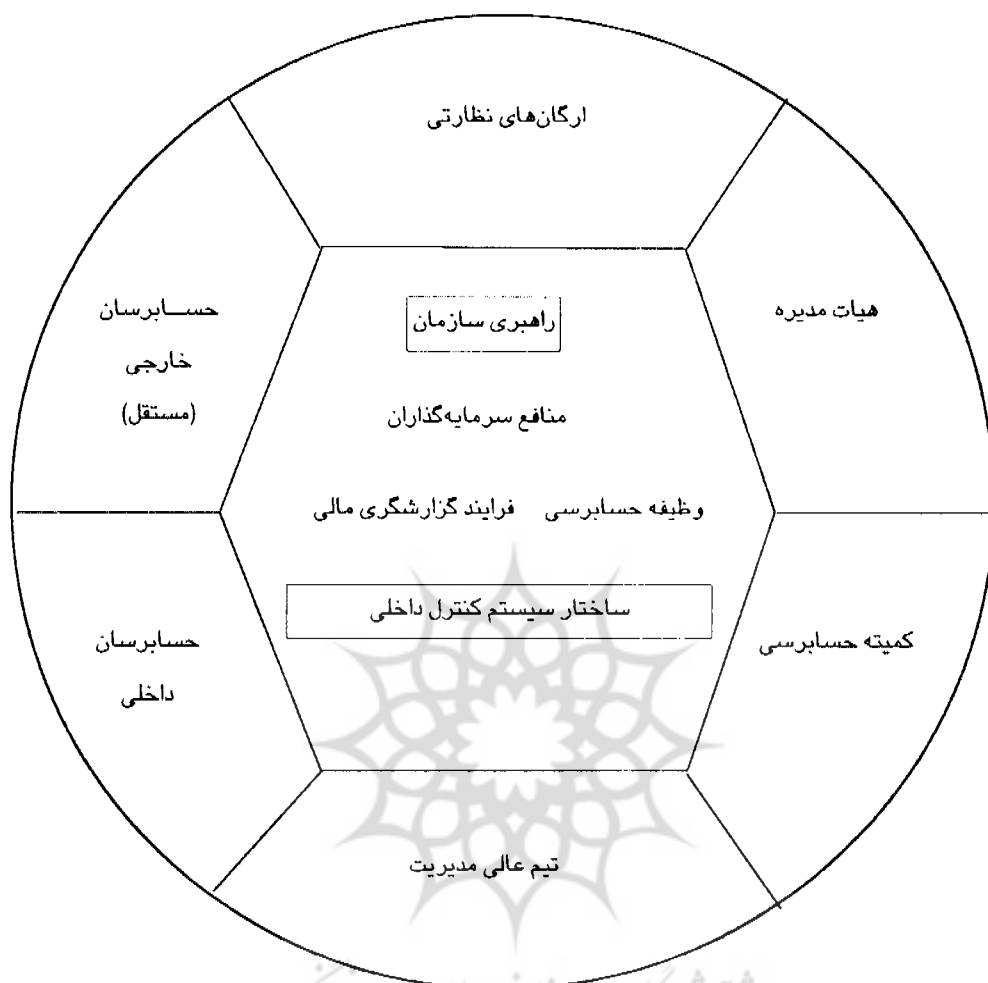
ارتباط اهداف و اجزای کنترل داخلی، راهبری سازمان و فرایند مدیریت (الف) ارتباط اهداف و اجزای کنترل داخلی میان سه گروه اهداف عملیاتی، گزارش‌دهی مالی و رعایتی که واحد اقتصادی خواهان دستیابی آنها است، و اجزای کنترل داخلی

نمودار رابطه بین اهداف، ریسک و فعالیت‌های کنترلی

نکته‌های محوری در اقدام‌ها/فعالیت‌های کنترلی	ریسک‌ها	ع، گ، ر	هدف‌ها
<p>- به‌کارگیری روش‌های مناسب برای شناسایی، گزینش و استخدام متقاضیان کار.</p> <p>- تدوین شرح وظایف و معیارهای استخدامی کافی به‌منظور اندازه‌گیری تخصص‌های کارکنان و مقایسه آنها با الزامات شغلی.</p> <p>- به‌روز رسانی منظم نیازهای پرسنلی آینده در چارچوب بخشی از برنامه‌ریزی مستمر.</p>	<p>- استخدام کارکنانی که تخصص آنها کمتر یا بیش‌تر از حد لازم است.</p> <p>- ناآگاهی واحدهای اقتصادی از نیازهای پرسنلی آینده.</p>	ع	<p>حوزه فعالیت برنامه‌ریزی و استخدام پرسنل: استخدام کارکنان واجد شرایط</p>
<p>- تدوین طرح راهبری فن‌آوری اطلاعات جهت بهینه‌سازی سرمایه‌گذاری و به‌کارگیری آن و اطمینان یافتن از پشتیبانی نوآوری‌های راهبری این فن‌آوری، از طرح‌های درازمدت واحد اقتصادی</p> <p>- مشارکت کاربران در تدوین و برقراری طرح راهبری فن‌آوری اطلاعات</p> <p>- تشکیل کمیته راهبری فن‌آوری اطلاعات.</p>	<p>نابسندگی کنش متقابل مدیران بخش‌های فن‌آوری اطلاعات، مالی و عملیاتی در تدوین طرح‌های راهبری.</p>	ع، گ، ر	<p>حوزه فعالیت مدیریت فن‌آوری اطلاعات: به‌کارگیری فن‌آوری اطلاعات به‌منظور اجرای طرح‌هایی راهبری واحد اقتصادی</p>
<p>- وضع استانداردهای دوره‌ای عملیاتی، نظیر بودجه‌های سه‌ماه یا سالانه.</p> <p>- مشخص کردن اطلاعات مورد نیاز برای شناسایی و توضیح انحراف‌ها، روندها یا تغییرات غیرعادی.</p> <p>- طراحی انتقال به‌هنگام اطلاعات لازم به کارکنان صلاحیت‌دار.</p> <p>- استخدام کارکنان مالی با تجربه در زمینه سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت.</p> <p>- استفاده از خدمات مشاوران با تجربه در امر سرمایه‌گذاری.</p>	<p>- وضع نشدن استانداردها پیش از اجرای عملیات و برنامه‌ها</p> <p>- نبود یا بی‌دقتی اطلاعات مورد نیاز برای مقایسه نتایج واقعی با استانداردهای تعیین شده</p>	ع	<p>حوزه فعالیت تجزیه و تحلیل: تجزیه و تحلیل و تطبیق مقایسه نتایج عملکرد با استانداردهای تعیین شده نظیر بودجه‌ها با نتایج دوره‌های گذشته، شناسایی انحراف‌ها، روندها یا تغییرات غیرعادی و علل وقوع آن‌ها.</p> <p>حوزه فعالیت پردازش وجوه: بهینه‌سازی بازده حاصل از سرمایه‌گذاری‌های نقدی کوتاه‌مدت.</p>

خط مشی‌ها و رویه‌ها به مدیریت اطمینان می‌بخشد که طرح‌ها، برنامه‌ها و دیگر دستوراتش انجام شود. در واقع خط مشی‌ها و رویه‌های کنترلی بیانگر اجزای فعالیت‌های کنترلی بوده و با اهداف مرتبطند. این ارتباط را می‌توان به شکل زیر نمودار بالا نشان داد:

برای مثال رابطه بین اهداف کنترل داخلی (عملیاتی (ع)، گزارش‌دهی مالی (گ) و رعایتی (ر)) با دو جزء اجزای کنترل داخلی (ریسک و فعالیت‌های کنترلی) به شرح ۲۹ نمودار بالا است.



واحد اقتصادی مربوط می‌شود. البته تمام اقدامات مدیریتی از عناصر کنترل داخلی محسوب نمی‌شود. برای مثال هدف‌گذاری و یا مدیریت ریسک که از مهم‌ترین فعالیت‌های مدیریت است فقط پیش‌نیاز کنترل داخلی به حساب می‌آید. در نمودار بالا ارتباط کنترل داخلی و فرایند مدیریت نشان داده می‌شود.

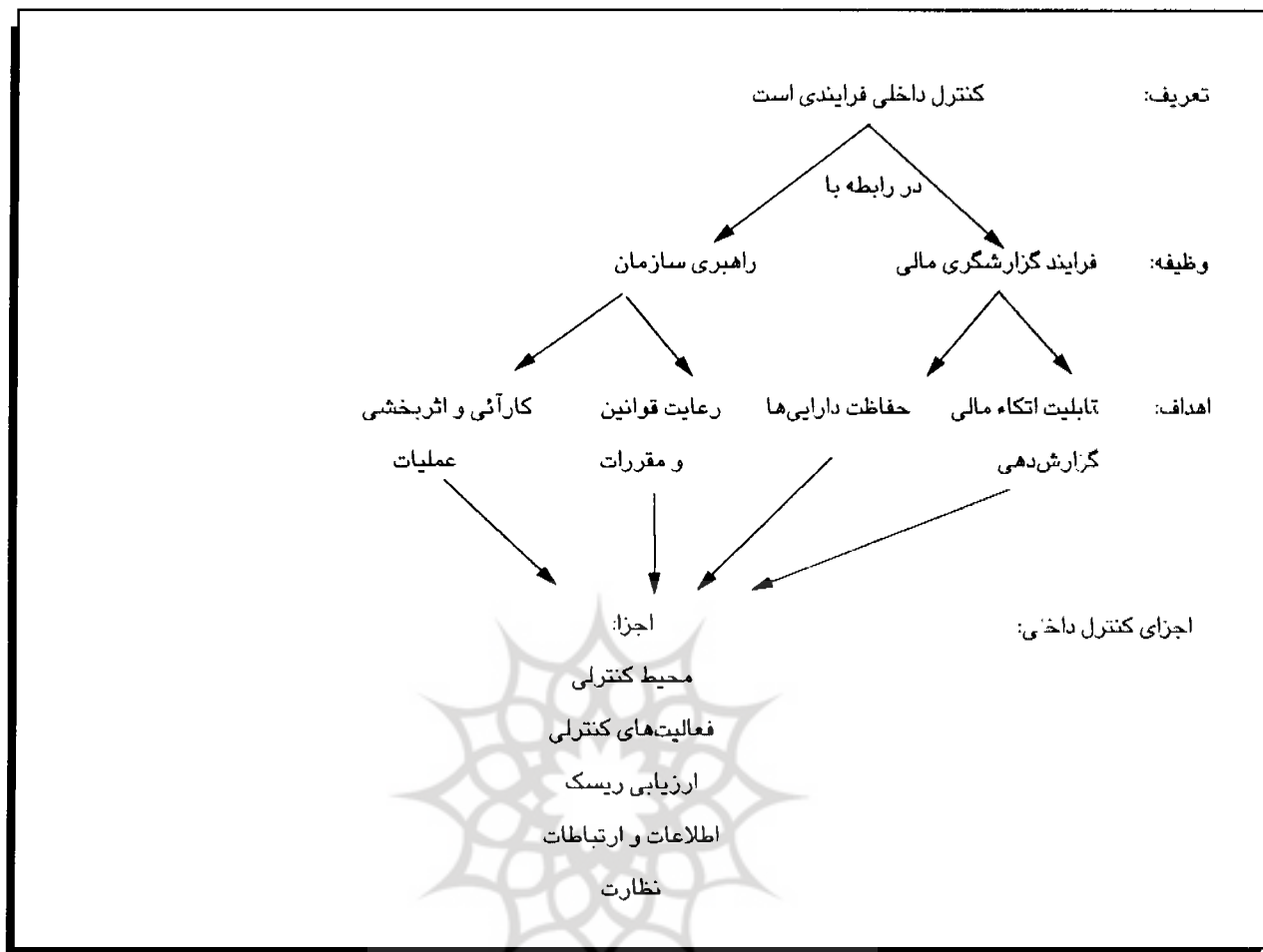
چارچوب سیستم‌های کنترل داخلی بانک‌ها (پیشنهادی کمیته بازل)^۶ کمیته‌ی نظارت بر امور بانکی بازل^۶ به‌عنوان بخشی از کوشش‌های مداوم خود

مدیریت ارشد و حسابرسان) می‌باشد. وجود کنترل‌های داخلی اثربخش جهت حصول اطمینان از تحقق اهداف سازمانی و ایفای نقش پاسخ‌گویی که از وظایف راهبری است، ضروری است. سیستم کنترل‌های داخلی راهبری سازمان را در دست‌یابی به اهداف کارآیی و اثربخشی عملیات و رعایت قوانین و مقررات یاری می‌دهد، رابطه راهبری سازمان و سیستم کنترل داخلی به‌شرح نمودار بالا است:

ج) ارتباط کنترل داخلی و فرایند مدیریت - کنترل داخلی بخشی از فرایند مدیریت بوده و لذا اجرای آن نیز به نحوه‌ی مدیریت

ب) ارتباط سیستم کنترل داخلی و راهبری سازمان - راهبری سازمان سیستمی است که به وسیله‌ی آن واحد اقتصادی هدایت و کنترل می‌شود. راهبری سازمانی در واقع یک مکانیزم اعمال مراقبت و نظارت بر اقدامات، رویه‌ها، تصمیمات واحد اقتصادی در راستای افزایش و خلق ارزش برای سرمایه‌گذاران است. کارکرد سیستم کنترل داخلی (همانند کارکرد حسابرسی و گزارشگری مالی) همواره مورد توجه سرمایه‌گذاران بوده و ابزار موثری برای اعمال راهبری سازمان و اجزای این راهبری (یعنی هیات مدیره، کمیته‌ی حسابرسی،

نمودار رابطه ساختار کنترل داخلی و راهبری سازمان



اصول کنترل داخلی بانک‌ها
(۱) فرهنگ کنترلی و مراقبت مدیریت
اصل ۱:

هیات مدیره باید مسئولیت‌های (۱) تصویب و بررسی دوره‌ای استراتژی‌های کلی و خط مشی‌های عمده بانک، (۲) شناسایی و درک ریسک‌های عمده و تعیین سطوح قابل قبول آن، (۳) کسب اطمینان از برداشتن گام‌های ضروری توسط مدیریت ارشد بانک در شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک‌های مذکور، (۴) تصویب ساختار سازمانی، (۵) کسب اطمینان از نظارت مدیریت ارشد بر کارایی و اثربخشی سیستم کنترل داخلی را بپذیرد.

مشی‌ها، طرح‌های بانک و کاستن زیان ناشی از ریسک‌های غیرقابل انتظار فراهم آورد. چارچوب سیستم کنترل داخلی فوق شامل ۵ جزء (۱) فرهنگ کنترل و مراقبت مدیریت؛ (۲) شناسایی ارزیابی ریسک؛ (۳) فعالیت‌های کنترلی و تفکیک وظایف؛ (۴) اطلاعات و ارتباطات؛ (۵) فعالیت‌های نظارتی و اصلاح نارسایی‌ها و ۱۳ اصل می‌باشد. اصول مزبور یک الگوی کاربردی است که باید واحدهای نظارتی آن را در ارزیابی روش‌ها و متدهای ساختار نظارتی خود از سیستم کنترل داخلی بانک‌ها به کار گیرند. اصول ۱۳ گانه پیشنهادی کمیته‌ی بازل به شرح زیر است:

در امور نظارتی بانکی که با صدور رهنمودهایی نظارت در بانک‌ها را تقویت کرده و بر استقرار مدیریت ریسک در بانک‌ها تأکید می‌کند، در ۱۹۹۸ اقدام به انتشار "چارچوب ارزیابی سیستم‌های کنترل داخلی در سازمان بانک‌ها" نمود. این کمیته سیستم کنترل داخلی اثربخش را یکی از اجزای حیاتی مدیریت بانکی و بنیانی برای حفاظت از منابع و توجه به عملیات بانک‌ها می‌داند که می‌تواند اطمینان لازم را در رسیدن به اهداف و مقاصد سازمانی بانک و دستیابی آن به اهداف سودآوری بلندمدت، گزارش‌دهی مالی و مدیریتی قابل اعتماد، رعایت قوانین و مقررات، خط

نمودار ارتباط کنترل داخلی و فرایند مدیریت

کنترل داخلی	فعالیت‌های مدیریتی
—	تعیین اهداف در سطح بنگاه - رسالت یا مأموریت،
✓	گزارش‌های ارزشی
—	برنامه‌ریزی استراتژیک
✓	تعیین عوامل محیط کنترلی
—	تعیین اهداف در سطح فعالیت‌ها
✓	شناسایی و تجزیه و تحلیل ریسک
—	مدیریت ریسک
✓	هدایت فعالیت‌های کنترلی
✓	شناسایی، گردآوری و ارسال اطلاعات
✓	نظارت
—	اقدامات اصلاحی

اهداف بانک می‌باشد. شناسایی و به‌طور مستمر مورد ارزیابی قرار گیرد. این ارزیابی باید کلیه ریسک‌هایی که بانک و سازمان‌های وابسته بانک با آن روبرو است، (از جمله ریسک اعتباری، ریسک کشور و انتقالات بانکی، ریسک بازار، ریسک نرخ بهره، ریسک نقدینگی، ریسک عملیاتی، ریسک قانونی و ریسک شهرت) را دربرمی‌گیرد. کنترل‌های داخلی ممکن است در رابطه با هرگونه ریسک جدید یا ریسک‌هایی که قبلاً کنترل نشده‌اند، مورد تجدید نظر قرار گیرد.

فعالیت‌های کنترلی و تفکیک وظایف

اصل ۵:

فعالیت‌های کنترلی باید به‌عنوان بخشی جداناپذیر از فعالیت‌های روزانه بانکی تلقی شود. در یک سیستم کنترل داخلی موثر، ساختار کنترلی به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که در آن فعالیت‌های کنترلی برای سطوح مختلف تعریف می‌شوند. سطوح مزبور شامل: بررسی‌های انجام شده سطوح بالا، اعمال فعالیت‌های کنترلی مناسب توسط دوایر یا بخش‌های مختلف، کنترل‌های فیزیکی، کنترل‌های مربوط به رعایت سقف‌های تعیین شده و پیگیری موارد عدول از آن، نظامی برای اخذ مصوبه‌ها و مجوزهای لازم و نیز سیستمی برای رسیدگی و انجام تطبیق‌ها می‌باشد.

اصل ۶:

یک سیستم کنترل داخلی اثربخش سیستمی است که در آن تفکیک وظایف به نحو مناسب در نظر گرفته شده و کارکنان در مسئولیت‌های متضاد به کار گمارده نشوند. حوزه‌های مسئولیت‌هایی که در آن بالقوه تضاد منافع وجود دارد باید شناسایی شود

اصل ۳:

هیات مدیره و مدیریت ارشد مسئول ارتقاء استانداردهای اخلاقی بالا و درستکاری در بانک است. مضافاً استقرار فرهنگ سازمانی که در آن بر توجه به اهمیت کنترل‌های داخلی در کلیه سطوح کارکنان تاکید شود از مسئولیت آنان به‌شمار می‌رود. ضروری است کلیه‌ی کارکنان در سازمان بانک اولاً آگاهی لازم نسبت به نقش خود در فرایند کنترل‌های داخلی را داشته باشند و ثانیاً این نقش را در فرایند کنترل داخلی بپذیرند.

شناسایی و ارزیابی ریسک

اصل ۴:

جهت استقرار یک سیستم کنترل داخلی اثربخش ضروری است که ریسک‌های با اهمیت که دارای اثرات منفی بردستیابی به

هیات مدیره نهایتاً مسئول کسب اطمینان از استقرار کنترل‌های داخلی کافی و موثر در بانک و حفاظت از آن است.

اصل ۲:

مدیریت ارشد باید مسئولیت‌های (۱) اجرای استراتژی‌ها و خط مشی‌های مصوب هیات مدیره، (۲) تدوین فرایندهایی برای شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک‌های موجود، (۳) تدوین و استقرار ساختار سازمانی به‌گونه‌ای که در آن مسئولیت‌ها، اختیارات و ارتباطات گزارشگری به‌وضوح تعیین شود، (۴) کسب اطمینان از این که تفویض مسئولیت‌ها به صورت کارا انجام می‌شود و (۵) برقراری رویه‌های کنترل داخلی مناسب و نظارت بر اثربخشی و کفایت سیستم کنترل داخلی را بپذیرد.

و ضمن به حداقل رساندن آنها مورد توجه، دقت خاص و نظارت مستقل قرار گیرند.

اطلاعات و ارتباطات

اصل ۷:

در یک سیستم کنترل داخلی موثر اطلاعات کافی و جامع مالی عملیاتی و رعایتی داخلی و هم چنین اطلاعات خارجی به‌ویژه در مورد شرایط و رویدادهای مرتبط با تصمیم‌گیری تهیه می‌شود. اطلاعات باید قابل اعتماد، به‌موقع، قابل دسترس و دارای چارچوبی یکنواخت باشد.

اصل ۸:

یک سیستم کنترل داخلی موثر باید در برگزیده سیستم‌های اطلاعاتی قابل اعتماد باشد به‌گونه‌ای که فعالیت‌های عمده‌ی بانکی را پوشش دهد. سیستم‌های اطلاعاتی معمولاً شامل سیستمی است که در آن اطلاعات به شکل الکترونیکی نگهداری و مورد استفاده قرار می‌گیرد. لذا باید از فعالیت‌های اطلاعاتی مزبور حفاظت شده و برآن به‌طور مستقل نظارت و کنترل شود به‌علاوه ضمن پشتیبانی از این سیستم‌ها، تمهیدات لازم هنگام بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی اتخاذ شود.

اصل ۹:

یک سیستم کنترل داخلی موثر باید دارای کانال‌های ارتباطی موثر نیز باشد کانال‌های ارتباطی اطمینان لازم را نسبت به آگاهی کامل کارکنان از وجود خط‌مشی‌ها و رویه‌هایی که بروظایف و مسئولیت‌هایشان موثر است، وفاداری و دسترسی پرسنل به سایر اطلاعات مربوط را فراهم می‌سازد.

فعالیت‌های نظارتی و اصلاحات نارسایی‌ها
اصل ۱۰:

اثر بخشی کلی کنترل‌های داخلی باید به‌طور مداوم مورد نظارت قرار گیرد و نظارت بر ریسک‌های کلیدی، باید به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه انجام شود. به‌علاوه ارزیابی‌های دوره‌ای خطوط کاری و انجام حسابرسی داخلی فعالیت‌ها به‌عنوان بخشی از فرایند اعمال نظارت ضروری است.

اصل ۱۱:

حسابرسی داخلی فراگیر و اثربخش سیستم کنترل داخلی باید توسط کارکنان با صلاحیتی صورت گیرد که به لحاظ عملیات مستقل بوده و آموزش‌های لازم را دیده باشند. وظیفه حسابرسی داخلی بخشی از نظارت بر سیستم کنترل داخلی را تشکیل می‌دهد. حسابرسان داخلی باید گزارش خود را مستقیماً به هیات مدیره یا کمیته‌ی حسابرسی یا مدیریت عالی ارائه دهند.

اصل ۱۲:

نارسایی‌های کنترل داخلی خواه اینکه توسط خطوط کاری مشاهده شود یا توسط حسابرسان داخلی یا سایر پرسنل به آن برخورد شود باید براساس برنامه‌ی زمانی مناسب و به‌هنگام به سطوح مناسب مدیریت گزارش و فوراً به اطلاع آنها برساند. نارسایی‌های با اهمیت کنترل‌های داخلی باید به مدیریت ارشد و هیات مدیره گزارش گردد.

اصل ۱۳:

ارزیابی سیستم‌های کنترل داخلی توسط ناظرین بانکی (بانک مرکزی)

حاصل کنند که کلیه بانک‌ها صرف‌نظر از اندازه، دارای سیستم کنترل‌های داخلی اثربخش می‌باشند. این سیستم باید به‌گونه‌ای طراحی شود که با توجه به ماهیت، پیچیدگی و ریسک ذاتی فعالیت‌های مربوط به اقلام داخل ترانزنامه یا خارج از آن با ثبات عمل کرده و به تغییرات محیطی و شرایط بانکی پاسخ مناسب دهد. چنانچه ناظران سیستم کنترل داخلی را به لحاظ پرتفوی ریسک‌های خاص بانکی، ناکافی و غیرموثر ارزیابی کنند. (برای مثال سیستم کنترل داخلی تمام اصولی را که در این بیانیه آمده پوشش ندهد) باید عکس‌العمل لازم را از خود نشان دهند.

نارسایی‌های سیستم کنترل داخلی بانک‌ها کمیته‌ی بازل برای شناسایی منابع و دلایل عمده نارسایی‌های کنترل داخلی، مشکلات اخیر بانک‌ها را مورد مطالعه قرار داد. مشکلات مشخص شده در این بررسی موجب آن شد که اداره‌کنندگان و مدیران بانکی، حسابرسان داخلی و خارجی و ناظران بانکی تمرکز و توجه بیش‌تری نسبت به تقویت سیستم کنترل داخلی و ارزیابی مستمر اثربخشی آن بنمایند. مطالعه‌ی چندین مورد واقعی نشانگر آن است که کنترل‌های داخلی ناکافی می‌تواند زیان‌های قابل ملاحظه‌ای به بانک وارد کند. نوع نارسایی‌های مشاهده شده در بررسی مشکلات بانکی را می‌توان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

● فقدان نظارت و پاسخ‌گویی مدیریت و شکست در گسترش فرهنگ کنترلی قوی در درون بانک ۷: بدون استثناء عمده‌ی زیان‌ها موارد مشاهده شده به دلیل عدم توجه و یا اهمال مدیریت در ایجاد فرهنگ کنترلی در بانک، عدم وجود رهنمودها و نظارت ناکافی هیات مدیره، مدیریت ارشد

و فقدان پاسخ‌گویی صریح مدیریت از طریق واگذاری نقش‌ها و مسئولیت‌ها است. این موارد همچنین نشانگر فقدان انگیزه‌های مناسب مدیریت در ایجاد خط نظارتی قوی و ایجاد سطح بالایی از اجماع در اعتقاد به کنترل در بانک و امور تجاری است.

● شناسایی و ارزیابی ناکافی ریسک‌های مخصوص فعالیت‌های بانکی (مرتبط با اقلام درون یا خارج ترازنامه): بسیاری از سازمان‌های بانکی در شناسایی و ارزیابی ریسک‌های محصولات و فعالیت‌های جدید یا به روز کردن ارزیابی ریسک‌ها، به‌ویژه زمانی که تغییرات عمده در محیط و یا شرایط تجاری واقع می‌شود غفلت ورزیدند. بسیاری از موارد مشاهده شده بیانگر این حقیقت است که سیستم‌های کنترلی سنتی اگرچه با محصولات ساده بانکی خوب عمل می‌کنند ولی این سیستم‌ها هنگام ارائه و برخورد با محصولات پیچیده و پیشرفته قادر به اداره آن نیستند.

● فقدان یا ضعف در ساختار و فعالیت‌های کلیدی کنترلی، مانند تفکیک وظایف، تصویب، رسیدگی، انطباق و بررسی عملیات جاری: فقدان تفکیک وظایف مناسب به‌ویژه نقش مهمی در بروز زیان‌های عمده اتفاق افتاده در بانک‌ها داشته است.

● ارتباط و اطلاعات ناکافی بین سطوح مختلف مدیریت داخل بانک (به‌ویژه ارتباطات از پایین به بالا): برای اثربخشی کنترل داخلی لازم است خط مشی‌ها و رویه‌ها به‌طور موثر به اطلاع پرسنلی برسد که مسئول انجام فعالیت‌ها می‌باشند. بسیاری از زیان‌های مشاهده شده در بانک‌ها به دلیل آن است که پرسنل مربوط آگاهی و درک درستی از خط مشی‌ها و رویه‌های بانکی نداشته‌اند. در بسیاری موارد اطلاعات مربوط به فعالیت‌های نامناسب که بایستی از طریق ارتباطات سازمانی به

سطوح بالا گزارش شود، تا زمانی که مشکل سخت و توان فرسا شده، به اطلاع هیات مدیره یا مدیریت عالی نرسیده است. در برخی موارد اطلاعات مندرج در گزارش‌های مدیریت کامل و صحیح نبوده و باعث ایجاد برداشت غلط و نامناسب از وضعیت تجاری بانک شده است.

● ناکافی و غیرموثر بودن برنامه‌های حسابرسی و فعالیت‌های کنترلی: در بسیاری موارد حسابرسی (داخلی و خارجی) برای گزارش نقاط ضعف کنترلی مربوط به مسائل بانکی به‌قدر کافی جدی نبوده‌اند. در دیگر موارد اگر چه حتی حسابرسان مسایل را گزارش نموده‌اند لکن مکانیزمی برای کسب حصول اطمینان از این که مدیریت نقاط ضعف یا نارسایی‌ها را اصلاح می‌کند، وجود نداشته است.

* این مقاله در همایش حسابداری و توسعه بانکداری که در ۱۵ و ۱۶ دی ۱۳۸۲ برگزار شد ارائه گردید.

پی‌نوشت:

- 1- Organizational Governance
- 2- Efficient Internal Control System
- 3- Committee of Sponsoring Organization of Treadway Commission (COSO)
- 4- Basel Committee on Banking Supervision
- 5- Framework Of Internal Control System in Banking Organization

۶- کمیته نظارت بر امور بانکی بازل یک کمیته نظارت قانونی است که در سال ۱۹۷۹ توسط اداره کنندگان بانک‌های مرکزی ده کشور تشکیل شده است. این کمیته شامل نمایندگان عالی‌رتبه نظارتی و بانک‌های مرکزی بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان و آمریکا است. این کمیته نشست‌های خود را در بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی در بازل تشکیل داده و مقر دائمی آن در

آن شهر است. این کمیته رهنمودهایی در امور بانکی به‌ویژه در حوزه نظارت ارائه می‌دهد که از طریق بانک‌های مرکزی کلبه کشورها در چارچوب کاری بانک‌های هر کشور مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۷- این وظیفه در حال حاضر در ایران توسط اداره نظارت بر امور بانک‌های تجاری بانک مرکزی انجام می‌شود.

منابع و ماخذ:

- 1- Basel Committee On Banking Supervision "Farmework For Internal Control Systems In Banking Organization" Basel, September 1998.
- 2- Bank of England "Banks Internal Controls and process section 39 " February 1997.
- 3- Canadian Deposit Insurance Corporation. "Standards Of Sound Business and Financial Proctices". Internal Control. August 1993.
- 4- Canadian Institute Of Chartered Accountants "Guidance on Control" November 1995.
- 5- The Committee Of Sponsoring Organization Of Treadway Commission (COSO), "Internal Control-Integrated Framework" July 1994.
- 6- European Monetary Institute, "Internal Control Systems of Credit Institutations". July 1997.
- 7- Zabihollah Rezaee, Financial Statement Fraud, Preventaion and Detection, Role Of Corporate Governance, 2002.
- ۸- کمیته سازمان‌های مسئول کمپسیون تردوی، کنترل داخلی چارچوب یک پارچه، مترجمان امیر پوریانسنب و کیهان مهام، کمیته حسابرسی عملیاتی سازمان حسابرسی، نشریات شماره ۱۱۸ و ۱۳۵، تهران ۱۳۷۷.